

آیہ ظہور آیہ ہمای

مہمترین آیات قرآنی پیرامون ظہور حضرت مہدی (عج)



محمد علی کریمی نیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیه‌های ظهور

مهمترین آیات قرآنی پیرامون ظهور حضرت مهدی (ع)

(ویژه جوانان و نوجوانان)

محمدعلی کریمی نیا

کریمی نیا، محمّدعلی -

آیه‌های ظهور: مهمترین آیات قرآنی پیرامون ظهور حضرت
مهدی (ع) / محمّدعلی کریمی نیا. - قم: کوثر ادب، ۱۳۸۵.
۱۳۶ ص.

IBSN 964 - 8666 - 10 - 5 ۱۰۰۰۰ ریال.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیما.

۱. مهدویت - جنبه‌های قرآنی. ۲. محمّد بن حسن (عج)، امام
دوازدهم، ۲۵۵ ق، - جنبه‌های قرآنی. الف. عنوان. ب. عنوان: مهمترین
آیات قرآنی پیرامون ظهور حضرت مهدی (ع).

۲۹۷/۱۵۹

کک ۸۶ / م ۱۰۴ BP

۴۰۸۷۲ - ۴۴ م

کتابخانه ملی ایران

آیه‌های ظهور

مهمترین آیات قرآنی پیرامون ظهور حضرت مهدی (ع)

محمّدعلی کریمی نیا

- ناشر: کوثر ادب ● شمارگان: ۵۰۰۰ جلد ● چاپ: سپهر
- طرح: گرافیک زیتون ● چاپ سوم: اردیبهشت ۱۳۸۵
- مرکز پخش: قم، تلفن ۸۱۲۷۶۶۲
- بها: ۱۰۰۰ تومان

* تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ است *



سلام بر مهدی!

سلام بر مهدی امتها و یکی کننده ملتها!
سلام بر قائم منتظر و عدل همه جاگستر!
سلام بر بهار زندگی انسان و طراوت روزگاران!
سلام بر مهدی که خدا به امتها آمدنش را نوید داده،
تا به دست حضرتش، همه را پیر و یک دین سازد
و طرح اتفاق در همه جهان دراندازد!

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ

السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ!
السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمَشْتَهَرِ!
السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ!
السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
بِهِ الْأُمَمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلْمَ بِهِ الشُّعَثَ
وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا!

فهرست مطالب

بخش اول: ظهور حضرت مهدی (ع) در قرآن

پایان فتنه‌ها ۵۱	پیشگفتار ۱۱
صاحب شبِ قدر ۵۳	آیندهٔ اسلام ۱۵
دعای مضطر ۵۷	بقیة الله، ذخیره الهی ۲۳
ظهور آیت پروردگار ۶۱	انتقام خون مظلوم ۲۷
روشنایی زمین ۶۴	وارثان زمین ۳۳
فرجام کافران ۶۷	حکومت صالحان ۳۷
شکوه امامت ۷۲	رهایی مستضعفان ۴۱
آب حیات ۷۵	نزول عیسی (ع) ۴۵

بخش دوم: ظهور حضرت مهدی (ع) در روایات

وظایف منتظران ظهور ۱۰۷	وجوب شناخت امام زمان (ع) ۸۱
وقت ظهور امام مهدی (ع) ۱۱۱	ولادت امام مهدی (ع) ۸۵
شرایط ظهور امام مهدی (ع) ۱۱۵	زندگی پنهانی مهدی (ع) ۸۹
مژدهٔ ظهور در کتب آسمانی ۱۱۹	غیبت کوتاه امام زمان (ع) ۹۳
ظهور از دیدگاه اهل سنت ۱۲۱	غیبت بزرگ امام زمان (ع) ۹۷
روایاتی از کتابهای اهل سنت ... ۱۲۵	رازهای غیبت قائم (ع) ۹۹
مسابقه و آزمون ظهور ۱۳۰	در انتظار ظهور ۱۰۳

امام هادی علیه السلام فرمود:

اگر پس از غیبت قائم علیه السلام، دانشمندانی نباشند که مردم را به سوی او دعوت کنند و به وجود سرشار از خیر و برکت مهدی علیه السلام رهنمون گردند و از دین الهی در سایه حاجت‌های آسمانی دفاع نمایند و بندگان ضعیف خدا را از دام‌های ابلیس و دشمنان ما برهانند، در پهنه جهان کسی برجای نمی‌ماند، مگر آن که از دین خدا روی گردان و مرتد می‌شود... این گروه از دانشمندان، از برترین مزایا و والاترین مقام برخوردارند.

آداب تعلیم و تعلم در اسلام / ۸۲

مقدمه

ای آفتاب رخ بنما از نقاب ابر
کان چهره مشعش تابانم آرزوست

قرآن کریم از هنگام نزول تا هم‌اکنون، سرچشمهٔ پیدایش و پرورش بزرگترین و پاکترین انسانها و ژرف‌ترین افکار و والاترین اندیشه‌ها و زیباترین هنرها، در میان مسلمانان بوده است.

از الفاظ این کتاب برگزیدهٔ الهی گرفته تا معانی باطنی و گستردهٔ آن، همه و همه، الهام‌بخش و زمینه‌ساز ظهور زیباترین و بدیع‌ترین آفرینش‌های بشری در طی چهارده قرن بوده است. به یقین، هیچ یک از کتابهای آسمانی دیگر، قابل مقایسه با قرآن کریم نیست.

شیفتگان آستان مقدس قرآنی، هر یک به فراخور دانش و بینش و توان خویش، در گسترش علوم و آداب و بطون و معانی ژرف قرآن کریم، عاشقانه و به اخلاص، کوشش‌های فراوان کشیده و آثاری نیکو از خویش برجای نهاده‌اند و از این خوان گستردهٔ و زوال‌ناپذیر الهی، توشه‌ای شایسته برای روز واپسین

فراهم آورده‌اند.

از توفیق بزرگ خدمتگزاری به ساحت نورانی قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام، شمه‌ای نیز به فضل و عنایت الهی، نصیب این حقیر گردید تا برخی از مهمترین مژده‌ها و بشارت‌های قرآنی پیرامون قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام را به جوانان و نوجوانان و عاشقان حضرتش تقدیم نمایم.

امید آن که این اثر ناچیز برای همگان مفید افتد و مورد عنایت و توجه حضرت بقیة الله علیه‌السلام قرار گیرد و توشه‌ای برای روز واپسین باشد.

قم - محمدعلی کریمی نیا

۱۹ رمضان ۱۴۲۶، اول آبان ماه ۱۳۸۴

□ بخش اول:

تفسیر و تاویل مهمترین آیات قرآنی

پیرامون ظهور و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

يَا مُفَضَّلُ! فَالِقِهِ إِلَى شِيعَتِنَا لِنَلَّا يَشْكُوا فِي الدِّينِ...
ای مفضل! اخبار «مهدی» را برای شیعیان ما بازگویی،
تا در دین خود، دچار شک و تردید نشوند.

(بحار الانوار، ج ۶/۵۳)

پیشگفتار

قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ریشه قرآنی دارد. در قرآن کریم، آیاتی هست که مفسران گرانقدر با توجه به منابع حدیثی و تفسیری، آنها را مربوط به حکومت جهانی قائم آل محمد علیهم السلام و حکومت صالحان در آخرالزمان دانسته‌اند.

البته در این آیات، آشکارا از حضرت مهدی علیه السلام سخنی به میان نیامده، بلکه پیشوایان اسلام، آیات قرآنی را تأویل کرده و معانی حقیقی و باطنی برخی از آیات را برای آیندگان روشن کرده‌اند. پیش از بررسی این آیه‌ها، شایسته است در باره معنای «تفسیر» و «تأویل» بحث کنیم.

□ تفسیر و تأویل یعنی چه؟

«تفسیر»، پرده‌برداری از معنای ظاهری آیه است که الفاظ و جمله‌ها از نظر قواعد عربی بر آن دلالت می‌کند.

«تأویل»، در لغت از ماده «أول» به معنای «رجوع و بازگشت به اصل» گرفته شده است و در اصطلاح قرآنی، «بازگردانیدن لفظ از معنای ظاهری به معنای نهانی و باطنی آن» است، به شرط آن که معنای باطنی موافق قرآن و سنت باشد. اگر انسان سخنی بگوید و مفاهیم خاص و اسراری در آن نهفته باشد که هدف نهایی آن سخن را تشکیل دهد، به آن تأویل گویند.

آیات قرآن معانی گوناگونی دارند، که یک معنایش ظاهر و معانی دیگرش، معانی حقیقی و بطون قرآن به شمار می‌آیند. در روایات اسلامی، گاه تفسیرهایی گوناگون برای یک آیه مطرح شده است. برخی از این تفسیرها، با ظاهر آیه هماهنگ است و برخی دیگر، معانی حقیقی و باطنی را بیان می‌کند.

به سخن دیگر، هر آیه قرآنی از نظر معنا، درجاتی دارد که نخستین معنای آن برای همه مفهوم است، در حالی که معانی دیگر آن، برای گروهی خاص که با جهان وحی ارتباط دارند، مفهوم می‌باشد و تا آنان تأویل آیه را بیان نکنند، برای دیگران دستیابی به چنین تأویلی ناممکن است. مثلاً: در آیه «قُلْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ»، معنای ظاهر آیه چنین است: «اگر آبهای روی زمین در دل آن فروروند، چه کسی برای شما آبی گوارا خواهد آورد». اما همین آیه، معنای دیگری در درون معنای نخستش نهفته است که با آن معنا نیز منافاتی ندارد و آن، این که:

«مقصود از آب، حجت الهی است، زیرا همان گونه که آب مایه حیات مادی است، حجت خدا نیز مایه حیات معنوی است و تأویل آیه این است که: اگر یکی از حجت‌های خداوند که بیان و فعل آنان مایه حیات معنوی است، از دنیا برود، چه کسی برای شما حجت دیگری خواهد آورد».

چنین معنایی، تأویل معنای نخست است و جز فرد معصوم که از هر لغزش و خطا مصون است، حق چنین تأویلی را ندارد.

بنابراین، فهم معانی باطنی قرآن بدون قرائن روشن یا تفسیرهایی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام رسیده، جایز نیست. از اینرو، وجود معانی باطنی و نهانی قرآن، نباید دستاویزی شود که هر کس آیات قرآنی

را به دلخواه خویش معنا کند. علم به بطون قرآن، فقط نزد اهل بیت علیهم السلام است و بس.

امیر مؤمنان علی علیه السلام - که دانش بیکران خویش را از پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته - در این باره می فرماید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله معنای نهان و تأویل هر آیه ای را به من آموخت»^۱.

همچنین، در روایات اسلامی آمده که: «هر آیه ای در قرآن، ظاهری و باطنی دارد». باطن قرآن، همان تأویل و معنای پنهان آن است که هیچ کس، جز اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله راه به شناختن آن ندارند. در حالی که باب آگاهی از معنای ظاهری قرآن، بر روی همگان باز است.

□ نتیجه: اسلام راه هرگونه تأویل را به روی افراد عادی بسته و به هیچ کس جز افراد معصوم که علم و دانش آنان از وحی سرچشمه می گیرد، اجازه تأویل قرآن را نداده است. زیرا این نوع تأویل مایه نابودی دین و تحریف اصول و فروع آن است.

□ خلاصه:

- ۱ - «تفسیر»، پرده برداری از معنای ظاهری آیه است که الفاظ و جمله ها از نظر قواعد عربی بر آن دلالت می کند.
- ۲ - «تأویل»، بازگرداندن معنای ظاهری آیه به معنای واقعی آن است که بسا لفظ را توان ارائه آن نیست.
- ۳ - تأویل آیات قرآن، به معنای برگرداندن مفهوم ظاهری آیه به

معنای باطنی آن، بر دو گونه است:

۱- تأویل مجاز و آن، تأویل آیات متشابه به کمک آیات محکم قرآن است.

۲- تأویل ممنوع و آن، تأویل ظاهر آیه بدون استمداد از قرآن است که این نوع تأویل برای هیچ کس - جز امامان معصوم - روا نیست.

□ درباره این کتاب:

قرآن کریم، در آیات گوناگون، از حکومت جهانی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نابودی ظلم و ستم و گسترش عدالت سخن گفته و از این حقیقت بزرگ خبر داده است. و چنان که یاد کردیم، این آیات دارای معانی باطنی و نهانی است که توسط پیشوایان دین، تفسیر شده است. ناگفته نماند، روایاتی که در تفسیر و تأویل آیات آمده، بیشتر به تطبیق و ذکر نمونه‌های روشن می‌پردازد و هرگز دلیلی بر محدودیت مفهوم آیات قرآنی نیست.

کتاب حاضر، در دو بخش به خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد:

۱- در بخش نخست، تفسیر و تأویل شماری از آیات قرآنی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام آمده است.

۲- در بخش دوم، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه شیعه و اهل سنت و برخی مباحث پیرامون آن ارائه شده است.

آینده اسلام

□ متن و ترجمه آیه :

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

او، کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه :

«هُدَىٰ»، به معنای هدایت الهی است که رسول خود را با آن همراه کرد و مقصود از «دین حق»، آیین اسلام و قوانین آن است که با واقع مطابقت دارد.

معنای ظاهر آیه، چنین است: «خدا آن کسی است که پیامبرش حضرت محمد ﷺ را با دینی که با فطرت و حقیقت آفرینش هماهنگ است، فرستاده تا آن را بر دیگر ادیان پیروزی بخشد، هر چند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند».

این آیه می‌گوید: خدای سبحان اراده کرده است دین اسلام در جهان بشریت گسترش یابد. بی‌شک، چنین چیزی به کوشش و

۱. سوره توبه: ۳۳. این آیه در سوره صف: ۹ و سوره فتح: ۲۸ نیز آمده، که نشانه اهمیت آن است.

مجاهدت نیاز دارد و چون اهل کتاب، سدّ راه پیشرفت اسلام هستند و می‌خواهند با توطئه‌های خویش، این نور را خاموش سازند، چاره‌ای جز جنگ با آنان نیست. دشمنان دین خدا، باید نابود شوند، یا زیر نفوذ حکومت مسلمانان درآیند.

چون خدای تعالی خواسته است این دین بر سایر ادیان چیره گردد، مسلمانان باید بدانند هر فتنه‌ای از سوی مشرکان برپا شود - به اراده و خواست الهی - به سود آنان و به زیان دشمنانشان پایان خواهد یافت. بنابراین، نباید دچار سستی و نگرانی شوند و در جهاد و مبارزه با کافران کوتاهی نمایند، چرا که اگر مؤمن باشند، خدا خواسته آنان را بر همه ادیان برتری می‌بخشد.^۱

□ نکته: واژه «لَيُظْهِرَهُ»، در آیه یاد شده، از ماده «ظهور» و به معنای برتری کامل و همراه با چیرگی و قدرت فراگیر است. بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود:

«دین حق، با شکوه و قدرت، به پیش می‌رود و سرانجام بر همه ادیان برتری کامل و پیروزی همه جانبه می‌یابد و جهان را در سایه هدایت خویش می‌گیرد، هر چند مشرکان نخواهند.»

چنان که می‌دانیم، معنای آیه، یعنی پیروزی بر همه ادیان هنوز تحقق نیافته است. اما اگر بخواهیم از تأویل آیه سخن بگوییم و به معنای باطنی آن راه یابیم، باید آن را از پیشگاه اهل بیت علیهم‌السلام فرابگیریم.

□ تاویل و معنای باطنی آیه :

این آیه، از رویدادی مهم خبر می‌دهد که در آخرالزمان تحقق می‌یابد. براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام جهانی شدن آیین اسلام، با ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام روی می‌دهد. در اینجا، برای پی بردن به معنای آیه، به چند روایت می‌نگریم:

۱ - سماعه از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که در باره آیه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى...» فرمود:

هنگامی که حضرت قائم علیه‌السلام بپاخیزد، هیچ مشرک به خداوند بزرگ و هیچ کافری باقی نماند، مگر این که خروج او را ناخوش دارد.^۱

۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه‌السلام در باره سخن خدای تعالی: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى...» پرسیدم. حضرت (در تاویل آیه) فرمود:

به خدا سوگند، هنوز تاویل این آیه تحقق نیافته است. پرسیدم: فدایت شوم، تاویل آن چه زمانی نازل می‌شود؟ فرمود: تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم علیه‌السلام خروج کند. هنگامی که او قیام کند، هیچ کافر و مشرکی نماند، مگر این که خروج او را ناخوش دارد...^۲

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲/ ۸۷: عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى... قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه‌السلام لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ.

۲. ترجمه المیزان، ج ۹/ ۳۴۰؛ تفسیر برهان، ج ۲/ ۱۲۱: عَنْ أَبِي بصير قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى... فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَ مَتَى يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا؟ قَالَ: حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ، لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ...

۳ - طبرسی نیز در تفسیرش، در این باره می‌گوید:

همانا این رخداد، هنگام خروج مهدی از آل محمد علیهم‌السلام خواهد بود. پس هیچ کس بر جای نماند، مگر این که به حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان می‌آورد.^۱

۴ - محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم علیه‌السلام در باره آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ...» پرسیدم. فرمود:

... ولایت، همان دین حق است. خداوند دینش را با قیام قائم علیه‌السلام بر همه آیین‌ها پیروزی می‌بخشد.^۲

۵ - در تفسیر قمی نیز آمده که: این آیه در باره قائم آل محمد علیهم‌السلام نازل شده است.

و معنای این که در باره آن بزرگوار نازل شده، این است که قیام حضرت حجت علیه‌السلام تاویل این آیه است.^۳

۶ - طبرسی در تفسیرش روایت کرده که:

روزی امیر مؤمنان علیه‌السلام آیه شریفه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» را تلاوت کرد و از حاضران پرسید: آیا این مژده پیروزی تحقق یافته است؟ پاسخ دادند: آری.

۱. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۵/۲۵: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه‌السلام: إِنَّ ذَلِكَ (يَكُونُ) عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَلَا يَتَقَىٰ أَحَدًا إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

۲. کافی، ج ۱/۴۳۲؛ نورالثقلین، ج ۲/۲۱۲: ... الْوِلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ. قُلْتُ: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؟ قَالَ: يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹/۳۴۱.

حضرت فرمود:

هرگز، به خدایی که جانم در کف قدرت اوست، با تحقق این وعده، هیچ شهر و دیاری نمی‌ماند، مگر این که ندای یکتایی و عظمت خدا، بامدادان و شامگاهان، در آن طنین انداز می‌شود.^۱

۷- کنجی شافعی در کتاب خود: «البيان في اخبار صاحب الزمان»، روایت کرده که: سعید بن جبیر، برای اثبات زنده بودن حضرت حجّت علیه السلام به آیه شریفه فوق استدلال کرده و گفته است: منظور حضرت مهدی علیه السلام است که از عترت فاطمه علیها السلام می‌باشد.^۲

۸- صاحب «ینابیع المودّة» نیز، ذیل این آیه گفته است:

به خدا سوگند، این آیه تأویل نمی‌شود، مگر آن که مهدی علیه السلام قیام کند.^۳

□ حقوق اقلیتها در حکومت امام مهدی :

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، حقوق همه اقلیتهای مذهبی رعایت خواهد شد. اهل کتاب در قلمرو حکومت اسلامی با آزادی کامل زندگی می‌کنند و از حقوق انسانی خود برخوردار می‌گردند. در روایتی می‌خوانیم که: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: حضرت مهدی با اهل کتاب چه می‌کند؟ امام فرمود:

۱. امام مهدی، از ولادت تا ظهور / ۹۲؛ مجمع البیان، ج ۹ / ۲۸۰: کلاً، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا تَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ يُنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بُكْرَةً وَعَشِيًّا.
۲. غایة المرام / ۷۱۲، باب ۱۲۴، فصل آخر، (چاپ قدیم).
۳. ینابیع المودّة، ج ۳ / ۲۳۹.

با آنان پیمان صلح می‌بندد، همان گونه که پیامبر ﷺ با اهل کتاب پیمان صلح بست...^۱

همچنین از امام باقر ﷺ روایت شده که در باره شیوه حکومتی حضرت مهدی ﷺ فرمود:

حضرت مهدی ﷺ تورات و دیگر کتابهای آسمانی پیش از اسلام را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و سپس میان اهل تورات با تورات و اهل انجیل با انجیل و اهل زبور با زبور و اهل فرقان با فرقان حکم می‌کند...^۲

از این روایت استفاده می‌شود که: پیروان همه ادیان آسمانی، با آزادی کامل و بدون ترس و فشار، در حکومت حضرت قائم ﷺ زندگی می‌کنند و آن حضرت معارف و احکام دینی آنان را طبق کتابهای اصلی‌شان برای آنان بیان می‌کند.^۳

نکته دیگر آن که: از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که اقلیتهای مسیحی و یهودی تا قیام قیامت در جهان خواهند ماند و با ظهور حضرت مهدی ﷺ از بین نمی‌روند. چنان که قرآن در باره مسیحیان می‌فرماید:

و از کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم، نیز پیمان گرفتیم، ولی بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند، فراموش کردند، و ما هم تا روز قیامت میان آنان دشمنی و کینه افکنیم...^۴

۱. بحار الانوار، ج ۳۷۶/۵۲: قَالَ: يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَ يُؤَدُّونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ

۲. پیشین، ج ۲۹/۵۱.

۳. موعود ادیان / ۱۷۰.

۴. سوره مائده، آیه ۱۴.

و در آیه دیگر، در باره یهودیان چنین می خوانیم:

و یهود گفتند: دست خدا بسته است، دستهای خودشان بسته باد. و به سزای آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند، بلکه هر دو دست او گشاده است، هرگونه بخواهد، می بخشد. و قطعاً آنچه از سوی پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میان آنان دشمنی و کینه افکندیم...^۱

ظاهر این دو آیه نشان می دهد که آیین یهود و مسیحیت تا روز قیامت و در دولت حضرت مهدی علیه السلام نیز باقی خواهند ماند، لیکن در برابر این دو آیه، روایاتی هم هست که می گویند در دولت مهدی علیه السلام، غیر از مسلمانان هیچ کسی بر روی زمین باقی نخواهند ماند. آن حضرت دین اسلام را بر اهل کتاب عرضه می کند، اگر نپذیرفتند، کشته می شوند. اما این گونه روایات، افزون بر ضعف سند، مخالف قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اصول قطعی اسلام است، از اینرو، از درجه اعتبار ساقط هستند. بنابراین، اقلیتهای دینی در عصر حضرت مهدی علیه السلام باقی می ماند و شرایط ذمه را می پذیرند و زیر نفوذ حکومت اسلامی، آزادانه زندگی می کنند. البته مظاهر شرک و بت پرستی و مذاهب دروغین برجسته خواهد شد و دولتهای باطل سقوط می کنند و همه قدرت و حکومت جهان به دست مسلمانان می افتد و دین اسلام بر تمام ادیان پیروز می گردد و بانگ توحید از همه جا، به گوش خواهد رسید.

۱. سوره مائده، آیه ۶۴: وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا...

□ نتیجه:

- ۱ - تاریخ بشریت در آینده شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود: هُوَ الَّذِي ... لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ.
- ۲ - اراده الهی بر پیروزی دین حق بر دیگر ادیان جهان تعلق گرفته، هر چند مشرکان نخواهند: هُوَ الَّذِي ... لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَنُكْرَهُ الْمُشْرِكُونَ.^۱
- ۳ - گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند. از یک سو، این آیه تاکنون تحقق نیافته و از سوی دیگر، خداوند وعده حاکمیت قطعی را داده و وعده‌اش دروغ نیست. در نتیجه، همان‌گونه که در روایات آمده، این آیه به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد.^۲

۱. تفسیر راهنما، ج ۷/۸۹.

۲. تفسیر نور، ج ۵/۴۲.

بقیة الله، ذخیره الهی

□ متن و ترجمه آیه:

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ.

باقیمانده الهی برای شما مردم، اگر مؤمن باشید، بهتر است.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

این آیه، از روابط اقتصادی قوم شعیب علیه السلام خبر می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شعیب علیه السلام، خطیب انبیاء بود. او، سومین پیامبر عرب است که نامش در قرآن کریم آمده است. پیامبران عرب عبارتند از: هود، صالح، شعیب و محمد صلی الله علیه و آله.

حضرت شعیب، از مردمان «مَدَیْن» بود که شهری است بر سر راه شام از راه عربستان. مردم مَدَیْن، از امنیت و رفاه و ارزانی قیمتها و نعمتهای سرشار الهی برخوردار بودند، ولی بت می پرستیدند و فساد و تبهکاری، بویژه کم فروشی، در میان آنان رواج داشت.

از اینرو، خدای مهربان، حضرت شعیب را به سوی آنان فرستاد و دستور داد تا مردم را از پرستش بتها و فساد در زمین و کم فروشی و کاستی در کیل و ترازو، باز دارد. آن جناب نیز، مردم را به سوی خدا

دعوت کرد، اندرزشان داد و از عذاب خدایشان ترساند.

شعیب علیه السلام به مردمش گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، برای شما جز او، معبودی نیست و پیمان‌ه و ترازو را، کم مکنید...»^۱

این که قرآن از میان گناهان مردم مَدِّین، تنها به کم‌فروشی و کاهش در کیل و ترازو پرداخته، نشان می‌دهد که این گناه در میان آنان، رواج بیشتری داشته، به گونه‌ای که فساد آن چشمگیرتر بوده است. از اینرو، خدای سبحان به آنان اندرز می‌دهد و می‌فرماید: باقیمانده الهی (بَقِیَّةُ اللَّهِ) برای شما، اگر مؤمن باشید، بهتر است.

□ کلمه «بَقِیَّةُ اللَّهِ»، به معنای باقی است. مقصود از آن، سود و سرمایه حلال یا پاداش الهی است که در معامله برای فروشنده برجای می‌ماند و آن را در هزینه‌های زندگی خویش خرج می‌کند.
منظور آیه این است که:

«اگر به خدای تعالی ایمان دارید، سودی که بقیه الهی است، بهتر است از مالی که شما آن را از راه کم‌فروشی و کاستی در کیل و ترازو، به دست می‌آورید.»

البته هر موجود سودمندی که از سوی خداوند برای بشر برجای بماند و مایه خیر و سعادت او گردد، نیز «بَقِیَّةُ اللَّهِ» است. از اینرو، به سربازانی که از جبهه جنگ سالم باز می‌گردند، «بَقِیَّةُ اللَّهِ» می‌گویند. تمام پیامبران و پیشوایان بزرگ الهی نیز، بقیه الله هستند. چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
به خدا سوگند ما «بَقِیَّةُ اللَّهِ» در زمین هستیم.^۲

۱. سوره هود، آیه ۸۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸۸/۷۲.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

در روایات گوناگون، «بَقِيَّةُ اللَّهِ» به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرموده است:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ» یعنی مهدی، که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین را از قسط و عدل لبریز می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و جور لبریز شده باشد.^۱

همچنین، در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام چنین می‌خوانیم:

هنگامی که قائم خروج کند، به خانه کعبه تکیه دهد و سیصد و سیزده تن نزد او گرد آیند. نخستین سخنی که گوید، این آیه است: بَقِيَّةُ اللَّهِ (باقیمانده خدا) برای شما بهتر است، اگر ایمان داشته باشید. آنگاه می‌فرماید: مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ هَسْتُمْ وَ حِجَّتْ وَ جَانَشِينِ خَدَائِمِ. پس از آن هر مسلمانی که بر او سلام دهد، گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِيهِ: درود بر تو ای باقیمانده خدا در زمین خدا.^۲

نیز، در حدیث آمده که: مردی از امام صادق علیه السلام در باره قائم پرسید که آیا می‌توان او را به هنگام سلام دادن، «یا امیرالمؤمنین» خطاب کرد؟ حضرت به وی فرمود:

۱. خورشید مغرب / ۱۴۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۲ / ۳۹۰.
۲. میزان الحکمة / ۳۳۶؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۲ / ۳۹۲: فَإِذَا خَرَجَ أَشَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا. فَأَوَّلُ مَا يَنْطَلِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حِجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِيهِ.

نه! این اسمی است که خداوند به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام داده است. هیچ کس پیش از او یا پس از وی به این اسم نامیده نمی‌شود، مگر کافر.

راوی پرسید: قربانت گردم، هنگام سلام دادن به قائم، چه بگوییم؟
امام صادق علیه السلام فرمود:

بگوید السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ. آنگاه امام این آیه را تلاوت کرد: بَقِيَّةُ اللَّهِ
خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. ۱

□ نتیجه: چنان که یاد کردیم، تمام پیامبران و پیشوایان بزرگ الهی، بقیة الله هستند. براساس روایات اسلامی، حضرت مهدی علیه السلام نیز، که آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر صلی الله علیه و آله است، از روشن‌ترین نمونه‌های بقیة الله می‌باشد، بویژه که حضرتش تنها باقیمانده پس از پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است.

انتقام خون مظلوم

□ متن و ترجمه آیه :

وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ
إِنَّهُ كَانَ مَنصُوراً.

و هر کس مظلومانه کشته شود، وارثان او را قدرتی بخشیدیم (که هر چه خواهند بکنند: قاتل را بکشند، یا دیه ستانند یا عفو کنند)، پس او نباید در قتل زیاده روی کند، که خدا یاورِ خونِ بناحق ریخته است.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه :

در همه ادیان آسمانی و قوانین بشری، خون انسان‌ها محترم است و قتل نفس، از بزرگترین گناهان به شمار می‌آید. اما در آیین اسلام، جان آدمیان حرمت بیشتری دارد، تا آن‌جا که کشتن انسانی بی‌گناه، همانند کشتن همه انسان‌های روی زمین معرفی شده است.^۲

البته این قانون در اسلام، مخصوص مسلمانان نیست، بلکه جان و مال غیرمسلمانانی که در کشور اسلامی زندگی مسالمت‌آمیزی با مسلمانان دارند، نیز محترم است و تجاوز به آنان حرام و ممنوع است. در آیین اسلام، برای قتل نفس، دو مجازات تعیین شده است:

۱. سوره اسراء: ۳۳.

۲. سوره مائده: ۳۲.

مجازات در آخرت و مجازات در دنیا. کیفر آخرتی کسی که مؤمن بی‌گناهی را به عمد بکشد، جاودانگی در آتش دوزخ است.^۱

کیفر دنیایی کسی که انسان بی‌گناهی را بکشد، «قصاص» است، که در آیه ۳۳ سوره اسراء، به این حق اشاره شده است. معنای آیه چنین است: «کسی که مظلومانه کشته شده باشد، ما به حکم شرع برای صاحب خون او سلطنت قرار دادیم، تا اگر خواست قاتل را قصاص کند و اگر خواست، خونبها بگیرد و اگر هم خواست، عفو کند. اما صاحب خون نیز نباید در کشتن اسراف کند و غیر قاتل را بکشد و یا بیش از یکنفر را به قتل برساند و بداند که ما یاری‌اش کرده‌ایم. قاتل نمی‌تواند از چنگ او فرار کند، پس شتاب به خرج ندهد و به غیر قاتل نپردازد».

اسحاق بن عمار گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم: خدای عزوجل در کتابش می‌فرماید: «فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»، این، چه اسرافیه است که خدا از آن نهی کرده است؟

امام فرمود: خداوند از کشتن غیر قاتل و یا مثله کردن او جلوگیری کرده است.

پرسیدم: پس معنای سخن خدا: «إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» چیست؟ فرمود: چه نصرتی بزرگتر از این که قاتل به اولیای مقتول داده می‌شود و آنان، قاتل را می‌کشند و پیامدهایی که لازمه قتل است، دامنگیرشان نمی‌شود؟!^۲

بیهقی نیز، در کتاب سنن خود، از زید بن اسلم روایت کرده که:

۱. سوره نساء، آیه ۹۳.

۲. کافی، ج ۷ / ۳۷۰؛ نورالثقلین، ج ۳ / ۱۶۲.

رسم مردم جاهلیت این بود که اگر مردی از قبیله‌ای، کسی را می‌کشت، آن قبیله راضی نمی‌شدند، مگر این که یکی از بزرگان قبیله قاتل را بکشند... لذا خدای تعالی، به ایشان اندرز داده و می‌فرماید: «فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ: پس او نباید در قتل زیاده‌روی کند».^۱

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

آنچه گذشت، تفسیر آیه و بیان حکم قصاص بود. آری، خدای مهربان برای سلامتی و امنیت جامعه، به صاحبان خون قدرتی بخشیده که قاتل را قصاص کنند یا دیه ستانند. اما این آیه، یک معنای باطنی نیز دارد که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است:

۱ - امام باقر علیه‌السلام، در تاویل این آیه فرموده است:

آن که به ظلم کشته شده، حسین بن علی علیه‌السلام است و ما ائمه، اولیای خون اویم. هنگامی که قائم خروج کند، خون حسین علیه‌السلام را بطلبد... و در باره «إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» فرمود: جهان پایان نگیرد، تا انتقام این خون به دست مردی از آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرفته شود. مردی که جهان را از قسط و عدل لبریز سازد، همانسان که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.^۲

۲ - امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نیز، در حیات خویش، از شهادت مظلومانه اهل بیت خود و خون‌خواهی قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر داده است. چنان که

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳/۱۳۸؛ دُرُّ الْمَثُورِ، ج ۳/۱۸۱.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۳/۱۶۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۲/۲۹۰: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا... قَالَ هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قُتِلَ مَظْلُومًا وَنَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَالْقَائِمُ مِمَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بِنَارِ الْحُسَيْنِ... إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَصِرَ بِرَجُلٍ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا.»

در تاریخ آمده: در زمان حکومت آن حضرت، یک بار، آب رودخانه فرات طغیان کرد. امیرمؤمنان به همراه حسنین علیهما السلام سوار شدند و به منطقه رفتند. مردم که ایشان را دیدند، شادمانه فریاد کردند: «علی آمده است تا آب را بازگرداند!»

امام علیه السلام در پاسخ آنان فرمود:

سوگند به خدا که من و این دو پسرم کشته خواهیم شد. سپس افزود:
زینهار که خداوند مردی از فرزندان مرا به خون‌خواهی خونهای ریخته شده‌ی خاندان نبوت بر خواهد انگیخت.^۱

۳- در روایتی دیگر، ابو حمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند پیامبر! آیا همه شما قیام‌کننده به حق نیستید؟
حضرت فرمود: آری، چنین است.

پرسیدم: پس چرا حضرت مهدی علیه السلام را، «قائم» نامیده‌اند؟ فرمود:

هنگامی که جدم حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان به درگاه خدا ناله و شیون کردند... خداوند امامان نه‌گانه از نسل حسین علیه السلام را به آنها نشان داد. فرشتگان از دیدارشان خوشحال شدند و دیدند که یکی از آنان به نماز ایستاده است. خدای عزوجل با نشان دادن او، به فرشتگان فرمود:
من به وسیله این «قائم» از قاتلان حسین انتقام خواهم گرفت.^۲

۱- بحار الانوار، ج ۵۱/ ۱۱۲: أَمَا وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ هَذَا وَوَلِيِّعَتْنِ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدَمَائِنَا...

۲- پیشین، ج ۵۱/ ۲۸: لَمَّا قِيلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ صَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ... ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِ الْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ لِلْمَلَائِكَةِ، فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَأَذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ریشه‌های کفر و ستم از روی زمین برچیده خواهد شد و اهداف پیامبران و امامان معصوم در سراسر جهان پیاده می‌شود و این، یکی از بالاترین و بهترین انتقام‌ها از دشمنان خدا و قاتلان امام حسین علیه السلام و دیگر شهیدان تاریخ است.

بنابراین، روزگار مهدی علیه السلام، روزگار خواری و زیونی ستمگران و آدمکشان است. دیگر آن روزگار نخواهد بود که طاغوتیان خون آشام، پیامبران و امامان را بکشند و نیکان و پاکان را نابود سازند و صحنه‌هایی همچون عاشورا پدید آورند. آنان باید انتقام پس بدهند.

مهدی علیه السلام، دست انتقام خدایی است. او، دشمن خونریز مستکبران و فاسدان و یاورِ دلسوز مستضعفان و پرهیزکاران است. از شمشیر مهدی علیه السلام، برای ابرقدرتان قاتل و خون‌آشام و سپاهیان آنان، خون و مرگ می‌بارد و برای انسان‌های مظلوم و زجر کشیده، رحمت و حیات.

□ توضیح معنای انتقام:

۱- چنان که یاد کردیم، در این روایات تعبیر انتقام حضرت مهدی علیه السلام از دشمنان خدا و دشمنان ائمه و یا امام حسین علیه السلام به چشم می‌خورد. اما باید دانست انتقام از دشمنان خدا و ائمه، به معنای ناکام گذاشتن آنان از دستیابی به اهدافشان می‌باشد.

هدف‌های دشمنان اسلام، تقویت آیین شرک و ستمگری است، که با خروج دجال، به اوج خود می‌رسد. اما با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ریشه‌های کفر و ستم از سراسر زمین برچیده خواهد شد و سران کفر و

استکبار از پُست‌های حکومتی جهان برکنار خواهند شد و این، یکی از بالاترین و بهترین انتقامها از دشمنان خدا و قاتلان امام حسین علیه السلام و دیگر شهیدان راه حق و عدالت است.

۲- بنا بر اعتقاد شیعیان به رجعت^۱ و بازگشتن دو گروه از مردم به دنیا و مجازات شدن دشمنان خدا به کیفر دنیایی توسط اولیای خدا، شکل دیگری از انتقام خواهد بود که در روایات گوناگون، نسبت به آن تأکید شده است و این موضوع، امری محال یا مخالف ضروریات عقل و دین نمی‌باشد.

آری، سنت الهی بر یاری و پشتیبانی از خون مظلوم است و حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، انتقام خون مظلومان را از آدمکشان ستمگر خواهد گرفت و این، قانونی تخلف‌ناپذیر است.

۱. رجعت یعنی زنده شدن و بازگشت برخی از مؤمنان و کافران، پس از مرگ به این دنیا.

وارثان زمین

□ متن و ترجمه آیه:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ.

و براستی، ما در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما
به ارث خواهند برد.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

کلمه «زبور» در لغت عرب، به معنای هر نوع نوشته و کتاب است،
ولی به قرینه آیه: «وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا»،^۲ به نظر می‌رسد که مراد، همان کتاب
آسمانی حضرت داود باشد. زبور، مجموعه مناجات‌ها و نیایش‌ها و
اندرزهای آن حضرت است، که پس از تورات نازل شده است.
منظور از «ذکر» در این آیه، همان تورات است، چنان که در آیه ۴۸
همین سوره، از «تورات» به عنوان «ذکر» یاد شده است: «...ذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ».

۱. سوره انبیاء: ۱۰۵. در کتاب «مزامیر داود»، بشارتهایی شبیه تعبیری که در آیه شریفه آمده، دیده
می‌شود. مثلاً در مزمور ۳۷، جمله ۹ چنین آمده است: «شیریران منقطع می‌شوند و اما متوکلان به
خداوند، وارث زمین خواهند شد».

۲. سوره اسراء، آیه ۵۵.

واژه «ارث»، به معنای انتقال ثروت و امکانات از مُرده به زنده است. گاهی در قرآن، ارث به پیروزی و سلطه قومی شایسته بر مردمانی ناشایست و در اختیار گرفتن نعمتها و امکانات آنان نیز، گفته شده است.^۱

در باره واژه «زبور» و «ذکر»، چند دیدگاه وجود دارد. برخی زبور را، کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت داود دانسته و برخی گفته‌اند: مقصود از زبور، تمام کتابهای آسمانی پیشین است.

در باره معنای «ذکر» نیز، برخی آن را «تورات» و برخی دیگر، آن را «قرآن» یا «لوح محفوظ» تفسیر کرده‌اند. اما به هر حال، این تفاوت دیدگاه، به محتوای آیه زیان نمی‌رساند. بنابراین، معنای آیه چنین است:

«ما، در زبور (یا کتابهای آسمانی پیشین) پس از نوشتن در تورات (یا قرآن و یا لوح محفوظ) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما، به ارث می‌برند».

در ادبیات عرب، کلمه «لَقَدْ» و «إِنَّ»، برای تأکید به کار می‌رود. در این آیه، خدای تعالی، سخن خود را همراه با دو تأکید بیان کرده است. این، نشان می‌دهد که آنچه در زبور و تورات نوشته شده، موضوعی بسیار حساس و مهم است.

خدای جهان‌آفرین می‌فرماید: «عِبَادِي الصَّالِحُونَ: یعنی بندگان شایسته من»، زمین را به ارث می‌برند. اینک، باید دید «عِبَادِي الصَّالِحُونَ» چه کسانی هستند؟ «عِبَادِي»، یعنی بندگان که خدا را می‌شناسند و بدو ایمان آورده‌اند. «الصَّالِحُونَ»، یعنی صالحان و شایستگان.

گسترده‌گی معنای صالحان، نشان می‌دهد که اینان، صاحبان همه شایستگی‌ها هستند. شایستگی از نظر عمل و پرهیزکاری؛ شایستگی از نظر دانش و تخصص؛ شایستگی از نظر توانایی جسمی و فکری؛ شایستگی از نظر مدیریت و نظم و فرماندهی.

هنگامی که بندگان با چنین ویژگی‌هایی یافت شوند، خداوند نیز امدادهای خود را به ایشان می‌رساند تا بر مستکبران پیروز شوند و دست آنان را از حکومت جهان کوتاه کنند و خود، وارث زمین گردند.

بنابراین، در هر زمان و مکان، بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز خواهند شد و سرانجام، صالحان، حکومت همه زمین را به میراث می‌برند.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

در تفسیر مجمع‌البیان، این آیه با صراحت به یاران قائم علیهم‌السلام تفسیر شده است. چنان‌که امام باقر علیه‌السلام در تاویل و بیان معنای باطنی آیه می‌فرماید:

هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ:

بنندگان شایسته‌ای که خداوند در این آیه، آنان را وارثان زمین خوانده، یاران مهدی علیه‌السلام در آخر الزمان هستند.^۱

در تفسیر قمی نیز، در بیان این آیه چنین می‌خوانیم:

منظور از این که زمین را بندگان صالح خدا به ارث می‌برند، حضرت قائم علیه‌السلام و یاران او هستند.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳/ ۵۱۸؛ تفسیر مجمع‌البیان، ج ۶۶/ ۷.

۲. تفسیر قمی، ج ۲/ ۷۷؛ إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، قَالَ: الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ.

□ نکته‌های تفسیری:

- ۱- صالحان، بندگان خاص خدا هستند: «عِبَادِي الصَّالِحُونَ».
- ۲- سنت الهی بر آن است که بندگان صالح، حاکم و وارث جهان باشند: «كَتَبْنَا».
- ۳- پیشگویی‌های قرآن، قطعی است: «لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...».
- ۴- قرآن از آینده تاریخ خبر می‌دهد: «يُرِيئُهَا...».
- ۵- وراثت زمین و حکومت بر جهان، دو شرط دارد: بندگی خداوند و انجام عمل صالح: «يُرِيئُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ».
- ۶- دین از سیاست جدا نیست: «يُرِيئُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»^۱.
- ۷- بشارت الهی نسبت به حاکمیت صالحان بر جهان: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِيئُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ».
- ۸- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین: «إِنَّ الْأَرْضَ يَرِيئُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ»^۲.

۱. تفسیر نور، ج ۷/۵۰۵.

۲. تفسیر راهنما، ج ۱۱/۴۸۴.

حکومت صالحان

□ متن و ترجمه آیه :

وَعَدَا اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده می‌دهد که حتماً آنان را خلیفه زمین خواهد کرد، چنان که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید، و دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر می‌کند و بیم و ترس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌گرداند...

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه :

این آیه در مدینه نازل شده و بیانگر بشارتی برای مؤمنان صالح است. خدای تعالی به آنان وعده می‌دهد که جامعه‌ای صالح برای خودشان می‌سازند و زمین را در اختیارشان می‌نهد و دین آنان را در جهان می‌گستراند و امنیت و آسایش را جایگزین ترس آنها می‌کند. چونان که از کید کافران در امان باشند و خدای را آزادانه بپرستند.

جمله: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، خطاب به همه مسلمانان است، که در میان آنان، هم منافق هست و هم مؤمن. مؤمنان نیز، دو گونه‌اند: کسانی که عمل صالح می‌کنند و آنان که عمل صالح ندارند. لیکن وعده‌ای که در آیه آمده، ویژه کسانی است که هم ایمان داشته باشند و هم اعمالشان صالح باشد و بس.

□ منظور از «استخلاف» در این آیه، ارث دادن زمین به مؤمنان صالح و حاکمیت آنان بر سراسر جهان است. چنان که این معنا در آیه ۱۲۸ سوره اعراف و آیه ۱۰۵ سوره انبیاء نیز آمده است.

□ منظور از «دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ»: دینی که خدا برای آنان پسندیده، دین اسلام است.

از مجموع آیه چنین بر می‌آید که خداوند به گروهی از بندگان که دارای ایمان و عمل صالح هستند، چند بشارت داده است:

۱- جانشینی و حکومت روی زمین.

۲- نشر آیین حق در گستره جهان.

۳- از میان رفتن هرگونه اسباب ترس و وحشت و ناامنی.

اما براستی این وعده الهی از آن کیست؟ چه کسانی جانشینان خدا بر روی زمین خواهند بود؟

از آنجا که گسترش دین در سراسر جهان و جهانگیر شدن آیین اسلام، از گذشته تا کنون تحقق نیافته است، یقین می‌کنیم که این امر در آینده خواهد بود. چرا که این، وعده‌ای الهی است و وعده‌ی خدایی، تخلف‌ناپذیر است.

بی تردید، برپایی چنین جامعه‌ای در روزگار حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. روایات بسیاری از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام رسیده، که از ایجاد چنین جامعه‌ای در آخرالزمان خبر می‌دهد.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

این آیه شریفه نیز، دارای معنای باطنی است که در سخنان اهل بیت علیهم السلام به وجود مهدی آل محمد علیهم السلام تفسیر شده است.

۱ - از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که آن بزرگوار، در پی تلاوت این آیه فرمود:

سوگند به خدا! آنان، شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به دست مردی از خاندان ما - که مهدی این امت است - آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد. او، همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله (در باره اش) فرموده است: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از خاندان من پیشوای جهان گردد، اسم او، اسم من است. او، زمین را از عدل و قسط لبریز می‌کند، چنان که از ظلم و جور لبریز شده باشد.^۱

۲ - از ابوبصیر روایت شده که امام صادق علیه السلام در باره معنای آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...» فرمود:

۱. تفسیر راهنما، ج ۱۲ / ۳۲۳؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳ / ۶۲۰: هُمْ وَاللَّهُ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ...

این آیه در باره حضرت قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.^۱

۳ - عبدالله بن سنان نیز گوید: از امام صادق علیه السلام در باره آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...» پرسیدم. فرمود:

آیه در باره علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان از فرزندان او نازل شده است. و در باره آیه: «دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر می‌کند و بیم و ترس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌گرداند...» فرمود: منظور از آن، ظهور حضرت قائم علیه السلام است.^۲

□ خلاصه:

براساس وعده خداوند، گسترش دین اسلام بر سراسر جهان، امری حتمی است که تا کنون جامعه عمل نپوشیده است. با توجه به تأویل روایات یاد شده، برپایی چنین جامعه‌ای در روزگار ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام تحقق خواهد یافت.

۱. سیمای حضرت مهدی در قرآن / ۲۶۳؛ غیبت نعمانی / ۱۲۶: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي (مَعْنَى) قَوْلِهِ: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ... قَالَ: (نَزَلَتْ فِي) الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَصْحَابِهِ.
 ۲. پیشین / ۲۶۴؛ تأویل الآيات الظاهرة / ۳۶۸: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخَلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَوَلَدِهِ. «وَ لَيَسْخَلَنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»، قَالَ: عَنِّي بِهِ ظُهُورُ الْقَائِمِ علیه السلام.

رهایی مستضعفان

□ متن و ترجمه آیه:

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَ تُمْكِنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...

و ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان منت نهیم و آنان را پیشوایان (جهان)
گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم و حکومتشان را پابرجا سازیم...

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

«منت»، به معنای نعمت سنگین است. فلانی بر فلانی منت نهاد، یعنی
او را از نعمت، گرانبار کرد.

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ»، یعنی ما می خواهیم بر آنان که در زندگی خوار شمرده
شدند، نعمتی بدهیم که از سنگینی آن، گرانبار شوند.

واژه «تُرِيدُ»، در شکل فعل مضارع، نشان دهنده استمرار و تداوم این
اراده الهی است. یعنی اراده خدا بر رهایی مستضعفان، ویژه بنی اسرائیل
و حکومت فرعون نیست، بلکه این، قانونی جاودانه و جهانی است.

این آیه شریفه، سرگذشت فرعون و بنی اسرائیل را بیان می کند.
فرعون، مردم بنی اسرائیل را به صورت بردگان و غلامان خود درآورده بود.
بنی اسرائیل در فقر و بیچارگی به سر می بردند. فرعون، چنان این مردم را

به ضعف و زیونی کشاند که پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را برای خدمت زنده نگه می‌داشت. او از کاهنان شنیده بود که پسری در بنی اسرائیل متولد می‌شود که حکومتش را نابود می‌کند. از اینرو، با کشتن نوزادان پسر، می‌خواست سلطنتش را حفظ کند. اما اراده الهی بر این قرار گرفت که بر بیچارگان زمین منت نهد و آنان را از الطاف و نعمتهای خویش بهره‌مند سازد. لذا می‌فرماید: ما اراده کردیم تا بر بیچارگان زمین منت نهم.

در این آیه، خدای مهربان از پنج امر مهم در باره مستضعفان خبر داده است:

- ۱ - ما می‌خواهیم بر بیچارگان زمین منت نهم.
 - ۲ - می‌خواهیم آنان را پیشوایان زمین قرار دهیم.
 - ۳ - می‌خواهیم آنان را وارثان حکومت مستکبران قرار دهیم.
 - ۴ - می‌خواهیم حکومت آنان را نیرومند و پابرجا سازیم.
 - ۵ - آنچه را دشمنانشان از آن ترس داشتند و همه نیروهای خود را علیه آن بسیج کرده بودند، به آنان نشان دهیم.
- این آیه، بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و برچیده شدن حکومتهای ستمگر و برپایی حکومت حق و عدل.
- نمونه‌ای از تحقق این اراده خداوندی، حکومت بنی اسرائیل و نابودی حکومت فرعونیان بود. نمونه کاملترش نیز، حکومت پیامبر اسلام ﷺ و پیروزی پابرهنه‌ها و بردگان ستمدیده بر فرعون‌های مکه بود. بیچارگانی که تحقیر می‌شدند و زیر سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها قرار داشتند.

سرانجام، خدا به دست همین گروه مستضعف، دروازه قصرهای کسراها و قیصرها را گشود و مستکبران جبّار را از تخت قدرت به زیر کشید و بینی آنان را بر خاک مالید.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

در این جا، معنای ظاهری آیه، این است که خداوند عزّت و اقتدار بنی اسرائیل را به آنان باز پس داد و «فرعون» و «هامان» و سپاهیانش را هلاک ساخت. اما معنای نهان آیه شریفه، غیر از معنای ظاهری و روشن آن است. آن معنای نهان، این است که مقصود از تضعیف شدگان در آیه شریفه، خاندان پیامبر هستند. مردم آنان را تضعیف کرده و به قتل رساندند و سخت ترین بیدادگری را در مورد ایشان روا داشتند.

پیامبر اکرم ﷺ به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود:

أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي:

شما تضعیف شدگان پس از من هستید.^۱

این سخن پیامبر، یک واقعیت تاریخی است و نیازی به اثبات ندارد. تاریخ اسلامی با رساترین صدای خویش گواهی می دهد که مردم از همان روز رحلت پیامبر، خاندان او را مورد هجوم قرار دادند و آنان را به سختی تضعیف نمودند. اما اراده الهی بر این قرار گرفت تا بر خاندان پاک پیامبر منت نهد و حکومت و فرمانروایی زمین و زمان را به ایشان ارزانی دارد.

آیه فوق، از آیاتی است که به روشنی، مژده ظهور چنین حکومتی را در آخرالزمان می‌دهد. از اینرو، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام این آیه، به ظهور امام زمان علیه‌السلام تطبیق شده است.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

گروهی که خدا بر آنان منت می‌نهد، آل محمد هستند. خداوند، پس از رنجها و سختیهایی که بر آنان وارد می‌شود، مهدی آنان را بر می‌انگیزد و آنها را به اوج عزت می‌رساند و دشمنانشان را به ذلت می‌کشد.^۱

در حدیثی دیگر، از امام علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

همچنان که عاقبت، شتر جموش به نوزادش مهر می‌ورزد، دنیا نیز خواه و ناخواه، روزی به کام ما خاندان پیامبر باز می‌گردد. سپس حضرت آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ» را تلاوت فرمود.^۲

همچنین، در روایتی از امام سجاد علیه‌السلام چنین می‌خوانیم:

سوگند به آن که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به حق، بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد، همانا نیکان از ما اهل بیت و پیروان آنها، به منزله موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آنها، به منزله فرعون و پیروان اویند.^۳

یعنی: همچنان که موسی و پیروانش بر فرعون و سپاهیانش پیروز شدند، سرانجام ما نیز بر دشمنانمان پیروز می‌شویم و آنها نابود خواهند شد و حکومت حق و عدل، از آن ما خواهد بود.

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۴ / ۱۱۰: هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَتَعَثُّ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ، فَيُعِزُّهُمْ وَيُدَلُّ عَدُوَّهُمْ.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۴ / ۱۰۹: وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا، إِنَّ الْأَبْرَارَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيَعَتَهُمْ بِمَنْزِلَةِ مُوسَى وَشِيَعَتِهِ وَإِنَّ عَدُوَّنَا وَأَشْيَاعَهُمْ بِمَنْزِلَةِ فِرْعَوْنَ وَأَشْيَاعِهِ.

نزول عیسی (ع)

□ متن و ترجمه آیه :

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا.

و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ او، حتماً به او ایمان
می آورد و روز قیامت (عیسی نیز) بر آنان شاهد خواهد بود.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه :

مقصود از «اهل کتاب» در این آیه، یهودیان و مسیحیان هستند.
یهودیان، به حضرت مریم علیها السلام تهمت بزرگی زدند و پیامبری عیسی علیه السلام را
منکر شدند و کمر به قتلش بستند، ولی موفق نشدند. مسیحیان نیز،
عیسی علیه السلام را، فرزند خدا و یکی از خدایان سه گانه خواندند و گفتند: او
آمده تا قربانی گناهان ما شود. به دار آویخته شد تا گناهان بشر بخشیده
شود و جهانیان از عذاب رهایی یابند. اما از نظر اسلام، عیسی علیه السلام بنده و
پیامبر خداست و به دار آویخته نشده و زنده است. تنها راه نجات انسانها
هم، ایمان به خدا و عمل صالح است.

آیه می فرماید: سرانجام روزی فرا می رسد که اهل کتاب از عقیده

باطل خود، دست بر می‌دارند و حق بر آنها روشن می‌گردد و می‌فهمند که حضرت عیسی علیه السلام کشته نشده است. اما این روز، کدام روز است؟ مفسران با توجه به ضمیر «مَوْتِهِ»، آیه را، دو گونه تفسیر کرده‌اند. برخی گفته‌اند: ضمیر «قَبْلَ مَوْتِهِ» به اهل کتاب باز می‌گردد، که معنای آیه چنین است:

«و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود، حتماً به او

ایمان می‌آورد و روز قیامت (عیسی نیز) بر آنان گواه خواهد بود».

یعنی در آستانه مرگ، که پرده‌ها از برابر چشم اهل کتاب برداشته می‌شود، آنان به حقایق جهان پی می‌برند و مقام حضرت عیسی علیه السلام را می‌بینند. یهودیان که به او کافر شدند، به او ایمان می‌آورند و مسیحیان هم که او را خدا می‌خواندند، به اشتباه خویش پی می‌برند.

اما این تفسیر پایه درستی ندارد. زیرا اهل کتاب به هنگام مرگ، هرگز چنین ایمانی را اظهار نمی‌کنند و از نظر قرآن، چنین ایمانی هیچ سودی ندارد. کسانی مانند فرعون و دیگر کافران، که در لحظه مرگ و دیدن نشانه‌های عذاب توبه می‌کنند و ایمان می‌آورند، توبه آنان پذیرفته نمی‌شود و از دوزخ رهایی نمی‌یابند. دیگر این که به هنگام مرگ، پرده‌ها بالا می‌رود و حقایق بر همه کافران روشن می‌شود، چه مسیحی و چه غیر مسیحی.

به هر حال، طبق این تفسیر، همه اهل کتاب در آستانه مرگ به خطای خویش پی می‌برند و به پیامبری عیسی علیه السلام ایمان می‌آورند، لیکن این ایمان، سودی ندارد و باعث رهایی آنان از آتش دوزخ نمی‌گردد.

□ تاویل و معنای باطنی آیه :

برخی دیگر از مفسران، مانند علامه طباطبایی در تفسیر المیزان^۱ گفته‌اند: ضمیر «مَوْتِهِ» به عیسی علیه السلام بر می‌گردد، که معنای آیه چنین است:

و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ عیسی، حتماً به او ایمان می‌آورد و عیسی روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

طبق این معنا و براساس روایات اهل بیت علیهم السلام، حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان فرود می‌آید و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می‌گزارد و همه مسیحیان و یهودیان به وی ایمان می‌آورند. یهودیان به پیامبری او اقرار می‌کنند. مسیحیان نیز که عیسی علیه السلام را، پسر خدا می‌دانند، از این عقیده دست بر می‌دارند و به حضرتش ایمان می‌آورند و همچون او، پیرو حضرت مهدی علیه السلام خواهند شد.

اینک، در رابطه با معنای باطنی آیه، به چند روایت می‌نگریم:
۱ - بخاری، از حدیث‌شناسان بزرگ اهل سنت، در کتاب خود، حقیقت اقتدای عیسی به حضرت مهدی علیه السلام را، به گونه‌ای مبهم بیان کرده است. او، روایتش را از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آورده است:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ:

چگونه خواهید بود هنگامی که فرزند مریم، عیسی، در میان شما فرود آید، در حالی که امام شما نیز، در جامعه شما حضور دارد!^۲

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵ / ۲۲۱.

۲. صحیح بخاری، ج ۲ / ۱۴۳، باب نزول عیسی بن مریم.

۲- در صحیح مسلم، از مهمترین منابع حدیثی اهل سنت، از جابر بن عبدالله، از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت در باره ظهور مهدی ﷺ فرموده است:

همواره گروهی از امت من، برای حق، پیروزمندانه تا روز قیامت می‌جنگند. سپس فرمود: آنگاه عیسی بن مریم نازل می‌شود و امیر آنان به او می‌گوید: جلو بایست و برای ما نماز برپا کن. اما عیسی می‌گوید: نه! برخی از شما بر برخی دیگر، امیر هستید.^۱

۳- همین روایت در کتاب «عقد الدرر»، بعد از جمله «عیسی نازل می‌شود»، چنین آمده است:

سپس عیسی بن مریم هنگام طلوع فجر، در بیت المقدس بر مهدی ﷺ نازل می‌شود. به او گفته می‌شود: ای پیامبر خدا! جلو بایست تا با تو نماز بخوانیم. او می‌گوید: برخی افراد این امت، امیر برخی دیگر هستند.^۲

۴- حُذیفه از پیامبر ﷺ روایت کرده که در این باره فرمود:

حضرت مهدی ﷺ متوجه می‌شود که عیسی ﷺ از آسمان فرود آمده است. از اینرو به او می‌گوید: جلو بایست و برای مردم نماز بگذار. عیسی ﷺ پاسخ می‌دهد: «نماز، تنها به امامت شما برپا می‌گردد!» سپس

۱. موعود ادیان / ۸۸؛ صحیح مسلم، ج ۱ / ۹۴، کتاب الایمان، حدیث ۲۴۷: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَيَّ الْحَقَّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قَالَ: فَيُنزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى، صَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ أَمْرَاءُ.

۲. عقد الدرر / ۲۹۳، حدیث ۳۵۳: فَيُنزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ طُلُوعَ الْفَجْرِ بِبَيْتِ الْمُقَدَّسِ، يَنْزِلُ عَلَيَّ الْمَهْدِيِّ. فَيَقَالُ لَهُ: تَقَدَّمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَصَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَمِيرٌ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ.

آن پیامبر بزرگ به امام مهدی علیه السلام اقتدا می کند و نماز می گزارد و آنگاه با حضرت بیعت می کند.^۱

۵ - علامه قندوزی حنفی، در تفسیر این آیه، از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

حضرت عیسی پیش از روز قیامت، به دنیا فرود می آید. پس پیروان هیچ ملتی، نه یهودی و نه غیر یهودی، برجای نمی مانند، مگر این که پیش از مرگشان به او ایمان می آورند و حضرت عیسی پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می گزارد.^۲

ابن کثیر، از مفسران اهل سنت، در تفسیرش می گوید: «روایت متواتری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که گواهی بر نزول عیسی علیه السلام پیش از قیامت می دهد».^۳

۶ - همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

خلفا و جانشینان من پس از من، دوازده نفرند. نخستین آنها برادرم و آخرین آنها، فرزندم می باشد. پرسیدند: یا رسول الله! برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. پرسیدند: فرزند شما کیست؟ فرمود: او مهدی است. کسی که زمین را از عدل و داد پُر می سازد، چنانچه از ظلم و بیداد پُر شده باشد. سوگند به آن که مرا به حق برانگیخته و بشیر قرار

۱. عقد الدرر فی أخبار المنتظر، باب ۱۰، ص ۲۳۰: ... يَلْتَقِي الْمَهْدِيُّ وَقَدْ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ... فَيَقُولُ الْمَهْدِيُّ: «تَقَدَّمَ وَصَلَّ بِالنَّاسِ». فَيَقُولُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ: إِنَّمَا أَقِيمَتِ الصَّلَاةُ لَكَ. فَيُصَلِّي عِيسَى خَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِي. فَإِذَا صَلَّيْتُ، قَامَ عِيسَى حَتَّى جَلَسَ فِي الْمَقَامِ فَيُبَايِعُهُ.

۲. ينابيع المودة، ج ۳/ ۲۳۷.

۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۴/ ۳۳.

داده، اگر یک روز از عمر دنیا باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی خواهد ساخت تا فرزندم مهدی خروج کند. سپس روح الله عیسی از آسمان فرود آید و پشت سر مهدی نماز بخواند و زمین به نور الهی درخشندگی یابد و حکومتش شرق و غرب را فراگیرد.^۱

براساس احادیث، حضرت عیسی علیه السلام هم اکنون زنده است و در آسمان به سر می‌برد و به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، او نیز از آسمان فرود می‌آید و به یاری حضرت بقیة الله بر می‌خیزد و مردم را به پذیرش آیین حق و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله دعوت خواهد کرد و خود، پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد و همگان را به پذیرش امامت و ولایت حضرتش فرا خواهد خواند.

□ نکته‌های تفسیری:

۱ - حضرت عیسی علیه السلام، هم تولدش و هم رفتنش از این جهان، اعجاز آمیز بود. او به آسمان بالا رفت تا ذخیره‌ای برای آخرالزمان باشد. و سرانجام، آن پیامبر الهی، پس از حضور دوباره در میان امت خویش، خواهد مُرد: «قَبْلَ مَوْتِهِ».^۲

۲ - با توجه به فعل مضارع «لَيُؤْمِنَنَّ» که از آینده خبر می‌دهد و در طول تاریخ گذشته چنین نبوده که همه اهل کتاب به حضرت عیسی علیه السلام ایمان آورده باشند، معلوم می‌شود آن حضرت هم اکنون زنده و دارای حیات جسمانی است: لَيُؤْمِنَنَّ بِقَبْلِ مَوْتِهِ.^۳

۱. فرائد السمطين، جوبنی خراسانی، ج ۲/۳۱۲.

۲. تفسیر نور، ج ۲/۴۹۸.

۳. تفسیر راهنما، ج ۴/۱۶۰.

پایان فتنه‌ها

□ متن و ترجمه آیه:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ.

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای برجای نماند و دین، یکسره از آن خدا گردد.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

«فتنه»، به معنای چیزی است که انسانها با آن آزمایش می‌شوند و دارای معنایی گسترده است که هرگونه فشار را شامل می‌گردد. در قرآن، گاه کلمه «فتنه» به معنای شرک و بت‌پرستی و انواع فشارهای بر جامعه به کار رفته است. همچنین، به فشارهایی که از سوی دشمن برای جلوگیری از گسترش اسلام و نابودی حق‌طلبان به عمل می‌آید، «فتنه» گفته می‌شود.

در آیه فوق، برخی از مفسران، «فتنه» را به معنای شرک و برخی دیگر به معنای کوشش‌های دشمنان برای سلب آزادی فکری و اجتماعی از مسلمانان گرفته‌اند. اما باید دانست که آیه، مفهوم وسیعی دارد که شامل همه موارد فوق می‌گردد.^۲

علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

۱. سوره انفال، آیه ۳۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷/۱۶۵.

جمله «با آنان بجنگید تا فتنه‌ای نماند»، کنایه از این است که با کافران بجنگید تا ناتوان گردند و دیگر به کفر خود مغرور نشوند و فتنه‌ای که مؤمنان را گرفتار سازد، ایجاد نکنند. در نتیجه، دین اسلام، همه‌اش از آن خدا باشد و مردم بر خلاف یکتاپرستی حرکت نکنند.^۱

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

در باره تاویل آیه فوق، دو روایت می‌آوریم:

۱ - محمد بن مسلم گوید: به امام محمد باقر علیه السلام گفتم: معنای سخن خدای تعالی: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

تاویل این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که تاویل آن بیاید، با مشرکان پیکار خواهد شد تا وقتی که یگانگی خدا تعالی را بپذیرند و مشرکی در روی زمین برجای نماند.^۲

۲ - زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرتش در تاویل آیه

فرمود:

تاویل این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ماقیام کند، هر کس که زمان او را درک کند، تاویل این آیه را می‌بیند، که هر کجا را تاریکی شب فراگیرد، آیین محمد صلی الله علیه و آله آنجا را فرا خواهد گرفت تا این که دیگر شرک و بت‌پرستی بر روی زمین برجای نماند.^۳

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹/۹۹.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۲/۱۵۴؛ کافی، ج ۸/۲۰۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱/۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۲/۶۰: لَمْ يَجِيءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعْدَهُ، سِيرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ.

صاحب شبِ قدر

□ متن و ترجمه آیه :

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ، إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ، فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ
حَكِيمٍ، أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ.

ما قرآن را در شبی فرخنده فرو فرستادیم، زیرا که ما هشدار دهنده
بودیم. در آن شب، هر کاری بر طبق حکمت، فیصله می یابد. این همه به
فرمان ماست که فرشتگان را فرو می فرستیم.^۱

□ تفسیر و تأویل آیه :

شب قدر، شب نزول قرآن است و «قدر»، یعنی اندازه گیری. پس شب
قدر، شب اندازه گیری است. خدای تعالی در آن شب، حوادث یک
سال، یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می کند. زندگی،
مرگ، روزی، سعادت، شقاوت و چیزهای دیگر از این گونه را مقدر
می سازد.

جمله «يُفْرَقُ» که در وصف شب قدر است، بر این معنا دلالت دارد.
چون «فَرَّقَ» به معنای جداسازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر
است. معنای «فرق حکیم»، این است که آن حادثه باید رُخ دهد.^۲

۱. سوره دخان، آیه ۳-۵.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰/۵۶۱.

حُمران گوید: از امام باقر علیه السلام در باره آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» پرسیدم. حضرت فرمود:

آری، منظور شب قدر است که هر سال در هر ماه رمضان تکرار می‌شود و قرآن نازل نشد، مگر در شب قدر، همچنان که خدای تعالی در باره آن می‌فرماید: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ». یعنی در شب قدر هر سال، همه امور آن سال تقدیر می‌شود، چه خیر و چه شر، چه طاعت و معصیت...^۱

چنان‌که از این آیات و آیات سوره «قدر» دانسته می‌شود: در هر سال، شبی هست که شرافتش از هزار ماه برتر است. در این شب، فرشتگان به همراه بزرگ خویش یعنی «روح»، به زمین می‌آیند و مقدرات یکساله را به نزد خلیفه خدا فرود می‌آورند و بر او عرضه می‌دارند و تسلیم وی می‌کنند.

از آن‌جا که فعل مضارع «يُفْرَقُ» دلالت بر استمرار دارد، می‌فهمیم که شب قدر، در هر سال هست. پس «صاحبِ شب قدر» نیز باید همیشه وجود داشته باشد و گرنه، فرشتگان بر چه کسی فرود بیایند و کتاب تقدیر را نزد چه کسی بگشایند و فرمانها و تقدیرها را به چه کسی بسپارند؟

□ اینک، پرسش این است که: «صاحبِ شب قدر» کیست؟

از روایات دانسته می‌شود که: پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوازده نور پاک، صاحبانِ شب قدر هستند و فرشتگان بر آن بزرگواران نازل می‌شوند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

شب قدر در هر سال هست. در این شب، امور همه سال فرو فرستاده می شود. پس از رحلت پیامبر نیز، این شب صاحبانی دارد.^۱

شب قدر، شب شناخت و معرفت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یارانش می خواست که «شب قدر» را باور کنند و صاحبانش را بشناسند. حضرتش در معرفی صاحبان شب قدر، به اصحابش فرمود:

به شب قدر ایمان بیاورید. در این شب، تقدیر امور سال فرستاده می شود. این شب را، پس از من نیز صاحبانی است. صاحبان این شب، پس از من، علی و یازده فرزند اویند.^۲

بدین گونه، آیات فوق دلالت دارد بر وجود «حجّت خدا» در هر عصر و زمان. پیشوایی که روح جهان و حقیقت زمان و صاحب شب قدر است و خانه او، جایگاه فرود آمدن روح و فرشتگان در آن شب بابرکت است.

بنابراین، سوره دخان و قدر، از مهمترین نشانه های اثبات حضور «امام زمان» و «حجّت خدا» در زمین است.

امام جواد علیه السلام به شیعیانش آموزش داده که لزوم امام را با این سوره، اثبات کنند. از مخالفان بپرسند: معنای این سوره چیست و نزول فرشتگان و عرضه مقدرات، در شب قدر، بر چه کسی است. آن بزرگوار، به شیعیان چنین فرموده است:

۱. خورشید مغرب / ۱۶۲؛ کافی، ج ۱ / ۲۴۷: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَيْكَ الْأَمْرَ وَوَلَاةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۲. پیشین / ۱۷۶: آمَنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَيْكَ وَوَلَاةَ مِنْ بَعْدِي: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَوَاحِدَ عَشْرٍ مِنْ وُلْدِهِ.

ای پیروان تشیع! با مخالفان امامت، به سوره «أَنَا أَنْزَلْنَا» استدلال کنید تا پیروز گردید. به خدا سوگند، این سوره پس از درگذشت پیامبر، حجت خدای متعال است بر خلق. این سوره، نقطه اوج دین شماست. این سوره، نشانه ابعاد علم ماست.

ای شیعیان! همچنین به سوره «حَمْدُ خَانَ» که در آن، آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» آمده است، استدلال کنید. این سوره پس از رَسُولُ اللَّهِ، ویژه ولی امر و حجت خدا، در هر عصر و زمان است...^۱

□ خلاصه: ماه رمضان تا روز قیامت تکرار می‌شود. شب قدر نیز، تا روز قیامت استمرار دارد. بنابراین، فرود آمدن فرشتگان و روح نیز در هر شب قدر، تکرار می‌شود.

بر اساس روایات اسلامی، پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فرشتگان بر امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام فرود می‌آیند. و اکنون که در عصر غیبت قرار داریم، فرشتگان در شب قدر، بر حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَام نازل می‌شوند و فرمانها و تقدیرها، به امضای آن بزرگوار می‌رسد.

بنابراین، پی می‌بریم که در هر زمان، باید امامی کامل و معصوم وجود داشته باشد تا محل نزول فرشتگان و روح گردد.

با توجه به حدیث پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مُرده است»، باید بکوشیم به مقدار توان خویش، با حقیقت زمان و روح جهان آشنا شویم، تا مرگ و حیات ما، مرگ و حیات بیداری و عشق و شناخت باشد، نه مرگ و حیات جاهلیت و کفر و نفاق.

دعای مضطر

□ متن و ترجمه آیه:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ
خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ...

کیست آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند و
گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار
می دهد، آیا معبودی جز خدا هست؟^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

«اضطرار» به معنای کوتاه شدن دست انسان از همه عوامل عادی و
مادی است. اضطرار، زمینه‌ای فراهم می آورد که انسان، خالصانه و
بی شائبه از شرک، خدا را بخواند. فریادخواهی خالصانه از خدا نیز،
اجابت دعا را در پی دارد.

منظور از: «اجابت مضطر وقتی که او را بخواند»، این است که خدا خواسته
دعاکنندگان مضطر را مستجاب و حاجتشان را بر می آورد. در حال
اضطرار، دعای آدمی از حقیقت برخوردار است، زیرا تا انسان بیچاره و
درمانده نشود، دعاهایش آن حقیقت و واقعیت حالِ درماندگی را ندارد.
«إِذَا دَعَا»، یعنی وقتی او را بخواند. این قید برای آن است که بفهماند

خدا وقتی دعا را مستجاب می‌کند که آدمی، به راستی او را بخواند، نه این که در دعا، رو به خدا کند، ولی امیدش به اسباب ظاهری باشد. اجابت دعا وقتی صورت می‌پذیرد که امید دعاکننده از همه اسباب ظاهری بریده شده باشد. یعنی بداند که دیگر هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند گره از کارش بگشاید.

منظور از: «خُلِقَاءَ الْأَرْضِ»، یعنی خلافت و جانشینی بر زمین، که خدا آن را در اختیارشان نهاده، تا به هر شکل بخواهند، در آن تصرف کنند.

□ توضیح: تصرف‌هایی که انسان در زمین می‌کند، چیزهایی است که با زندگی و معاش او ارتباط دارد. گاه برخی عوامل ناگوار، آدمی را از این تصرف باز می‌دارد. در نتیجه، چیزی که او را مضطر ساخته، حتما چیزی است که از بهره‌برداری او از زمین جلوگیری می‌کند یا آن را محدود می‌سازد. پس اگر خدای مهربان در چنین حالتی، با دعای شخص مضطر، گرفتاری او را برطرف کند، در حقیقت خلافتی را که به او بخشیده، تکمیل کرده است.^۱

□ خلاصه: گرچه خداوند دعای همه را اجابت می‌کند، ولی در این آیه، بر روی جمله «مضطر» تکیه شده تا بفهماند، از شرایط اجابت دعا، آن است که انسان از عالم اسباب چشم برگردد و تمام جسم و روحش را در اختیار خدا قرار دهد. همه چیز را از آن او بداند و چاره هر مشکلی را به دست او ببیند. آری، اگر انسان به چنین مرحله‌ای برسد، مهمترین شرط اجابت دعا را فراهم آورده است.

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵ / ۵۴۸.

□ تاویل و معنای باطن آیه:

مضطری که دعایش به اجابت می‌رسد، کیست؟

جالب است بدانیم در برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام، این آیه به وجود حضرت مهدی علیه‌السلام تطبیق شده است. در این باره، به دو روایت می‌نگریم:

۱ - در تفسیر قمی از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که در تاویل آیه فرموده است:

این آیه در باره مهدی از آل محمد علیهم‌السلام نازل شده است. به خدا سوگند، مضطر اوست. هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌گزارد و دست به درگاه پروردگار بزرگ بر می‌دارد، خدا دعایش را اجابت می‌کند، غم و غصه‌هایش را برطرف می‌سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می‌دهد.^۱

۲ - ابو خالد کابلی گوید: از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

به خدا سوگند، گویا من مهدی را می‌بینم که پشت به حجرالاسود زده و خدا را به حق خود می‌خواند...

سپس افزود: به خدا سوگند، مضطر در کتاب خدا در این آیه، حضرت مهدی علیه‌السلام است.^۲

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۴/۹۴: نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام، هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأَجَابَهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ.

۲. پیشین، ج ۴/۹۵: وَاللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ علیه‌السلام وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهَ إِلَى أَنْ قَالَ: هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ: أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ... فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جِبْرِئِيلُ...

۳ - محمد بن مسلم نیز از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در باره آیه: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...» فرمود:

این آیه در باره قائم از آل محمد علیهم السلام نازل شده است. هرگاه خروج کند، عمامه بر سر گذارد و در کنار مقام ابراهیم (در مسجد الحرام) نماز گزارد و به درگاه خدا تضرع و زاری کند. پس هیچ پرچمی از او رد نشود.^۱

بی تردید، منظور از این تفسیر، منحصر کردن مفهوم آیه به وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام نیست. این آیه، مفهومی گسترده دارد، که یکی از نمونه‌های روشن آن، قائم آل محمد علیهم السلام است. زمانی که همه جا را فساد و تباهی گرفته، درها بسته شده و بشریت در بن بست سختی گرفتار شده و حالت اضطرار در پهنه جهان نمایان گشته، حضرتش در مقدس‌ترین جای زمین، دست به دعا بر می‌دارد و تقاضای برطرف شدن گرفتاریها را می‌کند. خدای مهربان نیز، این دعا را سرآغاز انقلاب جهانی او قرار می‌دهد و به مصداق «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»، او و یارانش را خلفا و پیشوایان روی زمین قرار می‌دهد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱ / ۵۹: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ...»، قَالَ: هَذَا نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ إِذَا خَرَجَ تَعَمَّمَ وَ صَلَّى عِنْدَ الْمَقَامِ وَ تَضَرَّعَ إِلَيَّ رَبِّي، فَلَا تُرَدُّ لَهُ رَأْيَهُ أَبَدًا.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵ / ۵۲۲.

ظهور آیت پروردگار

□ متن و ترجمه آیه:

... يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.

روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت پدید آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سودی نمی‌بخشد، بگو: منتظر باشید که ما نیز منتظریم.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

منظور از آمدن پروردگار: «يَأْتِي رَبُّكَ»، آمدن قیامت و روز دیدار با پروردگار است. زیرا آن روز، روز جلوه حق و ظهور تام قدرت الهی است. در آن روز، دیگر حجابی میان خدا و آفریدگانش نیست. نشانه قیامت نیز همین است که پرده از روی حقیقت هر چیز برمی‌دارد. منظور از آمدن برخی از نشانه‌های پروردگار: «بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ»، آمدن آیت یا رویدادی است که باعث دگرگونی زندگی جهان شود، به گونه‌ای که دیگر نتوانند به قدرت و اختیاری که پیش‌تر داشته‌اند، باز گردند... یا آمدن عذابی از سوی خداوند که گریزی از آن نباشد و کافران مجبور به ایمان شوند تا از عذاب رهایی یابند.

اما ایمان آوردن در روز ظهور آیات، وقتی مفید است که آدمی در دنیا و پیش از ظهور آیات، از روی اختیار ایمان آورده و دستورهای خداوند را به کار بسته باشد.

بنابراین، اگر کسی در دنیا ایمان نیاورده، یا اگر آورده، در پرتو ایمانش خیری کسب نکرده و عملی صالح انجام نداده و در عوض، سرگرم گناهان بوده است، ایمان چنین کسی، ایمان اضطراری است و هنگام دیدن عذاب یا هنگام مرگ، برایش سودی ندارد.^۱
امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه فرموده است:

ایمان آوردن به هنگام دیدن عذاب نیز پذیرفته نیست و این حکم خدا در باره گذشتگان و آیندگان است.^۲

در تفسیر عیاشی، از امام محمدباقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که در تفسیر جمله: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» فرموده‌اند:

مقصود از این آیات، طلوع آفتاب از مغرب و خروج جنبه زمین و پدید آمدن دود است، که انسان اگر به گناه اصرار ورزد و عمل ایمانی بجا نیاورد و این آیه آشکار شود، ایمانش سودی نخواهد داشت.^۳

□ توضیح: از جمله نشانه‌های ظهور، سخن از طلوع خورشید از مغرب است که در احادیث آمده است. در برخی آثار آمده که:

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷/۵۳۵.

۲. تفسیر راهنما، ج ۵/۴۳۵.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱/۳۸۴.

حضرت مهدی علیه السلام خود، همان خورشیدی است که از مغرب (یعنی محل غروب کردن) خویش، طلوع خواهد کرد.^۱

□ تاویل و معنای باطنی آیه :

در باره معنای نهانی آیه فوق، به دو روایت می‌نگریم:

۱- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره معنای آیه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ...» پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمود:

مقصود از این آیه، خروج قائم ما اهل بیت است. آنگاه افزود: ای ابوبصیر! خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبت، در انتظار او به سر می‌برند و هنگامی که ظاهر می‌شود، از او اطاعت می‌کنند. اینان اولیای خداوند، که هیچ ترس و اندوهی به دل ندارند.^۲

۲- در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام در باره این آیه فرمود:

مقصود از «آیات»، امامان معصوم هستند و آن آیت مورد انتظار، قائم علیه السلام است. روزی که او با شمشیر قیام کند، ایمان آوردن کسانی که از پیش به او ایمان نداشته‌اند، آنان را سودی نخواهد بخشید، اگرچه آنان، به امامان پیش از او ایمان داشته باشند.^۳

۱. خورشید مغرب / ۱۳۷؛ بحار الانوار، ج ۱۹۵/۵۲: هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا.

۲. بحار، ج ۱۴۹/۵۲: يَتَعْنَى يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ مِنَّا. ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا بَصِيرٍ! طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظَرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبِهِ وَالْمُطِيعُونَ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

۳. پیشین، ج ۵۱/۵۱؛ کمال الدین، ج ۳۶/۲: الْآيَاتُ هُمُ الْأَئِمَّةُ وَالْآيَةُ الْمُنتَظَرُ هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ علیه السلام.

روشنایی زمین

□ متن و ترجمه آیه:

وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...

و (در آن روز) زمین به نور پروردگارش روشن گردد...^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

این آیه، از ویژگیهای قیامت سخن می‌گوید. مقصود از «روشن شدن زمین به نور پروردگار» چیست؟ در این باره، چند تفسیر بیان شده است: ۱- گروهی از مفسران گفته‌اند: منظور از این روشنایی، «حق و عدالت» است، که خداوند زمین را در قیامت با آن نورانی می‌کند. علامه مجلسی در توضیح «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ» گفته است:

«یعنی زمین در روز قیامت به عدل پروردگار روشن می‌شود، زیرا نور زمین به عدالت است».^۲

زمخشری، از علمای اهل سنت نیز، همین معنا را برگزیده و گفته است: «در آن روز، زمین از اقامه عدل و گسترش قسط در حساب و ارزیابی اعمال نیک و بد، روشن می‌گردد».

۱. سوره زمر، آیه ۶۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۶ / ۳۲۰.

- ۲ - برخی دیگر گفته‌اند: این روشنایی، اشاره به نوری است غیر از نور خورشید و ماه، که خداوند مخصوص آن روز می‌آفریند.
- ۳ - علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» می‌گوید:

«منظور از روشن شدن زمین به نور پروردگار - که از ویژگیهای قیامت است - کنار رفتن پرده‌ها و آشکار شدن حقایق اشیاء و کردار انسانها است.»^۱

به نظر ما، گرچه نور الهی، در آن روز همه چیز را فرا می‌گیرد، لیکن ذکر خصوص زمین در آیه شریفه، برای آن است که هدف اصلی، بیان حال مردم روی زمین در آن روز است.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

بی‌گمان، این آیه مربوط به قیامت است، اما در برخی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام، این آیه به قیام حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام نیز معنا شده است. این معنا، در واقع نوعی تطبیق و تشبیه و تأکیدی است بر این که: دنیا، به هنگام قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، نمونه‌ای از صحنه روز قیامت خواهد شد و عدل و دادگستری آن امام به حق و نماینده پروردگار، در روی زمین سایه گستر خواهد شد.

مفضل بن عمر، از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که حضرت در بیان آیه فرمود:

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷ / ۴۴۷.

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و
بندگان از نور آفتاب بی‌نیاز می‌گردند و تاریکی از میان می‌رود.^۱

امام رضا علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

قائم ما، صاحب غیبت است. هنگامی که ظاهر شود، زمین با نور
پروردگارش روشن گردد. مثل او، مثل قیامت است، که ناگهانی از راه
می‌رسد.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹ / ۵۴۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴ / ۵۰۴: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ
اشْتَغَنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ.
۲. روزگار رهایی، ج ۱ / ۵۲۸؛ بحار، ج ۵۲ / ۳۲۱: هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ
رَبِّهَا، مِثْلَهُ كَمِثْلِ السَّاعَةِ لِأَنَّا تَبَيَّنَّا لَكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ.

فرجام کافران

□ متن و ترجمه آیه:

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ، وَقَالُوا
 آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُوشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ.

وای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند، آن جا که راه
 گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند، و در آن حال
 می گویند: ما به او ایمان آوردیم و چگونه از جایی چنین دور، به آن
 دست یابند؟!^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

در این آیه، سخن از گرفتاری کافران است: هنگامی که فریادشان
 بلند می شود، اما نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند. آنها را از
 مکانی نزدیک می گیرند و گرفتار می سازند. اگر آنها را ببینی، از
 بیچارگی شان شگفت زده خواهی شد.

این حادثه در چه زمانی رخ می دهد؟ در این باره، مفسران چند نظر
 دارند:

۱- برخی آن را مربوط به عذاب دنیا، یا هنگام مرگ دانسته اند.

۲- برخی دیگر آن را مربوط به مجازات روز قیامت می‌دانند.

اما در آخرین آیه سوره سبا، تعبیری آمده که نشان می‌دهد همه این عذابها مربوط به دنیا یا لحظه جان دادن است. در آخرین آیه می‌فرماید: «و میان آنان و میان آنچه مورد علاقه‌شان بود، حایلی قرار می‌گیرد، همان‌گونه که پیش از آن، با کافران دیگر این عمل انجام گرفت.»

این تعبیر با عذاب روز قیامت سازگار نیست، چرا که در آن روز، همه مردم در یک سرزمین برای حساب جمع می‌شوند.

بنابراین، منظور از جمله: «أَخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ»، این است که کافران و ستمگران، نه تنها نمی‌توانند از حوزه قدرت خدا بگریزند، بلکه خدا آنان را از جایی گرفتار می‌کند که بسیار به آنها نزدیک است!

آیا فرعونیان در امواج نیل - که سرمایه افتخارشان بود - غرق نشدند؟
آیا قارون در میان گنج‌هایش به زمین فرو نرفت؟ آیا قوم سبا - که داستان آنان در همین سوره آمده - از نزدیکترین مکان، یعنی همان سدّ عظیمی که مایه حیات و تمدنشان بود، گرفتار نشدند؟!

پس نتیجه می‌گیریم که خدای قهار، کافران و مستکبران را از نزدیکترین مکان گرفتار می‌سازد، تا به قدرت او پی ببرند.

آری، با فرارسیدن مرگ و عذاب، درهای توبه بسته می‌شود و میان انسان و گناهانش سپری پولادین ایجاد می‌گردد. به همین دلیل، ایمان آوردن در آن لحظه، گویی از نقطه‌ای دوردست انجام می‌گیرد. در واقع، چنین ایمانی که از روی وحشت و اضطراب صورت می‌گیرد، هیچ ارزشی ندارد.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

در روایات اسلامی، این آیه به خروج «سفیانی» و سپاهیان او، پیش از ظهور امام زمان علیه السلام تفسیر شده است. آنان، به هنگام حرکت به سوی مکه و تسخیر آن شهر، در بیابان گرفتار عذاب می‌شوند و بر اثر زلزله‌ای شدید، به زمین فرو می‌روند. این آیه، در حقیقت بیان یکی از نمونه‌های «گرفتاری کافران از نقطه‌ای نزدیک است». چرا که سفیانی و سپاهیان، از نقطه‌ای که زیر پای آنان است، گرفتار عذاب الهی می‌شوند.^۱

اینک، در باره تاویل و معنای باطنی آیه، به دو روایت می‌نگریم:

۱ - در تفسیر «دُرُّ المَثُور»، از ابوهریره روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله

در تفسیر آیه: «وَلَنُوتِرِيْ اِذْ فَزِعُوْا» فرمود:

در آینده، مردی از عمق دمشق خروج می‌کند که او را «سفیانی» می‌گویند و بیشتر یارانش از قبیله کلب هستند. او دست به کشتار می‌زند، حتی شکم زنان را پاره می‌کند و کودکان را به قتل می‌رساند...

در این هنگام مردی از اهل بیت من خروج می‌کند تا به سفیانی می‌رسد و ستونی از لشکر خود را به سرکوبی وی می‌فرستد و آنان را شکست می‌دهند. سفیانی با همراهان خود به راه می‌افتد تا به سرزمین «بیداء» می‌رسد. در آن سرزمین دچار عذاب می‌شوند و به زمین فرو می‌روند و هیچ کس از ایشان زنده نمی‌ماند، مگر کسی که داستان آنان را برای مردم حکایت کند.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۸ / ۱۵۳.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶ / ۵۹۲؛ تفسیر دُرُّ المَثُور، ج ۵ / ۲۴۱.

۳- از امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز روایت شده که در باره قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

مهدی علیه السلام دارای چشمانی زیبا و موهایی مجعد است و برگونه‌اش خال است. آغاز قیامش از سوی مشرق خواهد بود. پس چون چنین شود، سفیانی بیاخیزد و به مدت نه ماه حکومت خواهد یافت. او در شام خروج می‌کند و مردم شام رهبری او را گردن می‌نهند، مگر گروهی از آنان که بر حق پایدار مانده‌اند. خداوند ایشان را از خروج و پیوستن به او ننگه می‌دارد. سفیانی، با سپاهی خون‌آشام به مدینه می‌رود. هنگامی که به «بیداء» مدینه می‌رسد (خداوند او را به زمین فرو خواهد برد و این است فرموده‌ی خدای عزوجل: وَإِي كَاشٍ مِّمَّنْ دِيدِي هِنْكَامِي رَاكِه کافران وحشت‌زده‌اند، آن جا که راه‌گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند.^۱

۲- در تفسیر قمی، در باره آیه: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا»، روایت کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

... وقتی قائم علیه السلام به سرزمین «بیداء» برسد، لشکر سفیانی در برابرش صف‌آرایی می‌کند. سپس خدای عزوجل به زمین فرمان می‌دهد تا

۱. سیمای حضرت مهدی در قرآن / ۳۱۱؛ غیبت نعمانی / ۳۰۴. عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمَهْدِيُّ أَقْبَلَ جَعْدٌ يَخْدُهُ خَالٌ يَكُونُ مَبْدَأَهُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ. فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ خَرَجَ الشَّفِيَانِيُّ فَيَمْلِكُ قَدْرَ حَمَلِ امْرَأَةٍ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ يَخْرُجُ بِالشَّامِ فَيَقَادُ لَهُ الشَّامُ إِلَّا طَوَائِفَ مُقِيمِينَ عَلَى الْحَقِّ يَعْصِمُهُمُ اللَّهُ عَنِ الْخُرُوجِ مَعَهُ وَ يَأْتِي الْمَدِينَةَ بِجَيْشٍ جَرَّارٍ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى بَيْتِهَا الْمَدِينَةَ خَسَفَ (اللَّهُ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ): وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ...

پاهای آنان را بگیرد و در خود فرو ببرد. و در باره همین حادثه است که خدای عزوجل می فرماید: «وای کاش می دیدی هنگامی را که کافران وحشت زده اند، آن جا که راه گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده اند، و در آن حال می گویند: ما به او ایمان آوردیم...».

یعنی می گویند: ما به قائم آل محمد علیه السلام ایمان آوردیم و آنان چگونه از جایی چنین دور، به او ایمان می آورند؟! و میان آنان و چیزهای مورد علاقه شان، حایلی قرار می گیرد، همان گونه که پیش از آن، با کافران دیگر این عمل انجام گرفت.^۱

□ نتیجه: مسأله «خروج سفیانی» به هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام، یکی از مصادیق و معانی باطنی آیه فوق است که خداوند آنها را از نزدیکترین مکان گرفته و نابودشان می سازد.

در تفسیر این آیه، روایات بسیاری هست که مفسران شیعه و اهل سنت، آنها را، در کتابهای خود آورده اند.^۲

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۴/۳۴۴؛ تفسیر قمی، ج ۲/۲۰۵.
۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶/۵۹۳.

شکوه امامت

□ متن و ترجمه آیه:

فَكَأَيُّنَ مِنْ ... بِئْرِ مُعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَشِيدٍ.

و چه بسیار چاه‌ها و قصرهای برافراشته که بی استفاده باقی ماند.^۱

□ تفسیر و تاویل آیه:

«بِئْرِ مُعْطَلَةٍ»، یعنی چاه آبی که قابل بهره‌برداری نباشد. «قَصْرِ مَشِيدٍ»، به قصر مجلل و باشکوهی گویند که از سکنه خالی مانده است. در این آیه، به این مطلب اشاره شده که: ما وقتی اهل آبادی‌ها را هلاک کردیم، چاه‌های آنها بی استفاده شد و قصرهای ایشان نیز خالی ماند.

در برخی روایات، «بِئْرِ مُعْطَلَةٍ»، به علما و دانشمندانی که در جامعه تنها مانده و کسی از علومشان بهره نمی‌گیرد، تفسیر شده است. در روایتی از پیشوایان دین، چنین می‌خوانیم:

«بِئْرِ مُعْطَلَةٍ»، یعنی چه بسیار عالمی که به او مراجعه نمی‌کنند و از دانشش بهره نمی‌برند.^۲

۱. سوره حج، آیه ۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۱/۱۹: كَمْ مِنْ بِيْرِ مُعْطَلَةٍ أَيْ عَالِمٍ لَا يُرْجَعُ إِلَيْهِ وَلَا يُسْتَفَعُ بِعِلْمِهِ.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که در تأویل این آیه فرمود:

الْبَيْتُ الْمُعْتَطَلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ.

چاه بی استفاده، امام ساکت است و قصر برافراشته، امام ناطق.^۱

در این حدیث، عالم به چاه آب تشبیه شده که سرچشمه حیات معنوی انسانها است. منظور از بی استفاده ماندن چاه آب، مراجعه نکردن به عالم و بهره نبردن از دانش اوست. امامان معصوم، عالمانی هستند که مردم مقامشان را نشناختند، به آنان مراجعه نکرده و از علمشان بهره نبرده‌اند. امام زمان علیه السلام در عصر غیبت نیز، مصداق این آیه است.

این تفسیر، در حقیقت نوعی تشبیه است. هنگامی که امام در جایگاه حکومت قرار می‌گیرد، همچون قصری برافراشته، دیدگان همه را به سوی خویش جلب می‌کند و پناهگاهی برای امت است. اما هنگامی که از مسند امامت دور گردد و مردم از پیرامونش پراکنده شوند و نااهلان به جای او بنشینند، به چاه پُر آبی می‌ماند که به دست فراموشی سپرده شود.^۲ در تفسیر قمی، در معنای این آیه، چنین آمده است:

این آیه مثلی برای آل محمد علیهم السلام است. بَيْتٌ مُعْتَطَلَةٌ، چاهی است که از آن

آب برداشته نمی‌شود و او، امام غائبی است که از علمش بهره برده

نمی‌شود. و «قَصْرٌ مَشِيدٌ»، یعنی بنای بلند و برافراشته، که مثلی برای

امیرمؤمنان و فرزندان اوست...^۳

۱. پیشین، ج ۲۵/۱۰۷.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴/۱۲۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴/۱۰۱؛ تفسیر قمی، ج ۲/۵۹.

هر یک از ائمه در برخی از زمان خویش ساکت بوده‌اند و از علم آنها استفاده نمی‌شده است. اما مهمترین مصداق «بِئْرِ مُعْطَلَّةً»، امام پنهان است که متروک و بی‌استفاده و در نتیجه غریب، باقی مانده است. درست همانند چاهی که پُر از آب است، ولی هیچ تشنه‌ای برای کشیدن آب، به سوی آن نمی‌رود.

آری، حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت، از نمونه‌های آشکار «امام صامت» است. از اینرو، به حضرتش «بِئْرِ مُعْطَلَّةً» می‌گویند. اِنْ شَاءَ اللهُ، پس از ظهور آن خورشید تابان، شکوه و عظمت مقام امامت با وجود حضرتش آشکار خواهد شد.

آب حیات

□ متن و ترجمه آیه:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ.

بگو: به من خبر دهید اگر آب (آشامیدنی) شما به (زمین) فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد.^۱

□ تفسیر و معنای ظاهر آیه:

«غور» به معنای فرو رفتن آب در زمین است و کلمه «معین» از ریشه «مَعْنُ» به معنای آب جاری در روی زمین است. برخی از مفسران نیز، «معین» را به معنای آبی گرفته‌اند که با چشم دیده می‌شود، هرچند جاری نباشد. اما بیشتر آن را به معنای «آب جاری» تفسیر کرده‌اند.

می‌دانیم که زمین، از دو لایه تشکیل شده است:

۱- لایه نفوذپذیر که آب را در خود فرو می‌برد.

۲- لایه نفوذناپذیر که آب را در خود نگه می‌دارد.

تمام چشمه‌ها و چاه‌ها و قنات‌ها، از برکت این ترکیب خاص به وجود آمده است. زیرا اگر همه لایه‌های زمین را قشر نفوذپذیر تشکیل می‌داد، آبها به اعماق زمین فرو می‌رفتند و دست هیچ کس به آن نمی‌رسید. و

اگر لایه‌های زمین نفوذناپذیر می‌بودند، همه آبها بر روی زمین می‌ایستادند و به باتلاق تبدیل می‌شدند، به دریاها می‌ریختند و بدین ترتیب، همه ذخایر آب زیرزمینی از میان می‌رفت.

در این آیه، خدای مهربان به یکی از نشانه‌های رحمت گسترده خویش برای ساکنان زمین اشاره می‌کند. نعمتی که حیات مادی انسان، سخت وابسته به آن است.^۱

پیام آیه این است که: آبهای روان و جاری، از نعمتهای خداوند و جلوه‌ای از رحمانیت و قدرت اوست. اگر خدا به زمین فرمان دهد تا آبها را در خود فرو ببرد، هیچ کس و هیچ نیرویی، توانایی مبارزه با خشکسالی و بازگرداندن آبهای فرو رفته در زمین را ندارد.

□ تاویل و معنای باطنی آیه:

معنای ظاهر آیه روشن است. می‌فرماید: «اگر آبهای روان زمین در دل آن فرو رود، چه کسی برای شما آبی گوارا خواهد آورد». اما همین آیه، معنای دیگری در درون معنای ظاهری‌اش نهفته است که با آن معنا نیز، تضادی ندارد. آن معنا این است که بگوییم:

مقصود از آب، امام و حجت پروردگار است، زیرا همان گونه که آب، مایه حیات مادی است، حجت خدا نیز، مایه حیات معنوی است. و تاویل آن، این است که: اگر یکی از حجت‌های خداوند که سخنان و کردارشان مایه حیات معنوی است، از دنیا برود، چه کسی برای شما

حجت دیگری خواهد آورد. چنین معنایی از پیامبر گرامی و امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر این آیه بیان شده است. در این باره، به دو روایت می‌نگریم:

۱ - عمار یاسر گوید: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگها همراه بودم. حضرت علی علیه السلام پرچمداران کفر را به خاک انداخت و جمعیت آنان را پراکنده ساخت. به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: یا رسول الله! همانا علی در راه خداوند، حق جهاد را ادا کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آری، علی از من است و من از اویم. او، وارث علم من و پرداخت کننده قرض‌های من و اجرا کننده وعده‌های من و جانشین پس از من است. اگر او نبود، مؤمن خالص پس از من شناخته نمی‌شد. جنگ با او، جنگ با من است و سازش با او، سازش با من و سازش با من، سازش با خداوند است. آگاه باشید که او، پدر دو سبط من است و امامان، از نسل او هستند. خدای تعالی، امامان هدایتگر و از جمله آنها، مهدی این امت را، از او متولد خواهد ساخت.

عرض کردم: پدر و مادرم به قربانت، این مهدی کیست؟ فرمود:

ای عمار! خدای برترین با من پیمان بست که از نسل حسین، نه امام بیرون آورد و نهمین آنها از چشم مردم غایب می‌شود و همین است که خداوند عزوجل می‌فرماید: «به کافران بگو: به من خبر دهید اگر آب شما (که مایه حیات است)، همه به زمین فرو رود، کیست که آب گوارا، برایتان باز آورد». برای او، غیبتی طولانی خواهد بود که گروهی از عقیده‌شان برمی‌گردند و گروهی دیگر، ثابت قدم می‌مانند. پس هرگاه آخر زمان

فرارسد، او خروج می‌کند و دنیا را البریز از قسط و عدل می‌نماید... او،
همنام و شبیه‌ترین مردم به من است...^۱

۲ - امام محمد باقر علیه السلام نیز، در تأویل این آیه فرمود:

این آیه در باره حضرت قائم علیه السلام نازل شده است. سپس فرمود: اگر امام
و پیشوایتان غایب شد و نمی‌دانید او کجاست، چه کسی می‌تواند امام و
پیشوایی برایتان ظاهر سازد که اخبار آسمانها و زمین و حلال و حرام
خدا را برای شما توضیح دهد.

آنگاه امام باقر علیه السلام افزود:

به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه نرسیده، ولی ناگزیر خواهد رسید.^۲

تعبیر «آب حیات» در باره حضرت مهدی علیه السلام در روایات، تعبیری
بسیار گویا و زیباست. چرا که زندگی در عصر غیبت، همچون زندگی در
کویری خشک و بی‌آب است. قائم آل محمد علیه السلام با ظهور خویش، به
زندگی فرسوده همه انسانها، جانی تازه می‌بخشد و سعادت و خوشبختی
را به آنان هدیه می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۳۳ / ۱۸: ... فَقُلْتُ: يَا أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ هَذَا الْمَهْدِيُّ؟ فَقَالَ: يَا عَمَّارُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً تِسْعَةَ وَ النَّاسِعِ مِنْ وَ لَدِهِ يَغِيبُ عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: قُلْ إِنْ أَصْبَحَ مَاءٌ كُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ، وَ تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَ يَنْبُتُ عَلَيْهَا آخِرُونَ. فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، يُخْرِجُ قَيْمَلًا الدُّنْيَا قِسْطًا وَ عَدْلًا ...

۲. تفسیر نورالقلین، ج ۵ / ۳۸۷: نَزَلَتْ فِي الْأَمَامِ الْقَائِمِ، يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ، لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ، فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ. ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَا.

□ بخش دوم:

نگاهی به زندگی و بررسی

مسائل ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

از دیدگاه شیعه و اهل سنت

امام موسی بن جعفر (ع) فرمود:

خوشا به حال شیعیان ما، که در روزگار غیبت قائم
ما، به دوستی ما چنگ می‌زنند و در ولایت ما استوار
می‌مانند و از دشمنان ما بیزاری می‌جویند. آنان، از ما
هستند و ما از آنهایم. آنها ما را به امامت پذیرفته‌اند و ما
آنها را به عنوان «شیعه» پسندیده‌ایم. خوشا به حال آنها،
باز هم خوشا به حال آنها. به خدا سوگند، آنها روز
قیامت، در رتبه ما جای دارند.

بحارالانوار، ج ۱۵۱/۵۱

وجوب شناخت امام زمان (ع)

شناخت امام زمان، اهمیتی ویژه در زندگی و مرگ انسان‌ها دارد. زیرا مرگ هر کس، چکیده زندگی است. هر کسی آنگونه می‌میرد که زندگی کرده است. شیعه و سنی از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود:

هر کس بمیرد و امام زمان و حجت عصر خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مُرده است.^۱

بنابراین، بر اساس سخن پیامبر ﷺ، هر کسی امام زمانش را نشناسد، نه تنها مرگش، مرگ جاهلی است، بلکه زندگی او نیز، زندگی جاهلانه خواهد بود.

در بسیاری از روایات آمده که اگر کسی بمیرد و امام نداشته باشد یا بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مُرده است. از اینرو، ما وظیفه داریم در حدّ توان خویش، در راه معرفت و شناخت پیشوایان دین، گام برداریم. در این باره به چند روایت می‌نگریم:

۱ - امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود:

کسی که قائم علیه السلام از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلیت مُرده است.^۲

۱. مضمون حدیث در بسیاری از کتب اهل سنت آمده، از جمله: کنز العمال، ج ۱/۱۰۳؛ حلیة الاولیاء ابی نعیم، ج ۳/۲۲۴؛ مسند احمد، ج ۴/۹۶: مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ.
۲. بحار الانوار، ج ۵۱/۷۳: مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَلَدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ، مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ.

۲ - حضرت رضا علیه السلام در جواب نامه مأمون، پس از شناساندن امامان معصوم و خاندان اهل بیت علیهم السلام، فرمود:

هر کس بمیرد و آنها را به اسم‌شان و اسم پدرانشان نشناسد و ولایت آنها را نپذیرد، به مرگ جاهلیت مُرده است.^۱

۳ - در اهمیت شناخت امام زمان، همین بس که حضرت صادق علیه السلام به فضیل بن یسار فرمود:

ای فضیل! امام خود را بشناس، زیرا اگر امام خود را بشناسی، جلو افتادن یا به عقب افتادن حکومت آنان، زبانی به تو نمی‌رساند و کسی که امام خود را بشناسد و پیش از قیام قائم از دنیا برود، همچون کسی است که در سپاه آن حضرت بوده؛ نه بلکه مانند کسی است که زیر پرچم او (در میدان جنگ) نشسته باشد.^۲

۴ - گاه برخی از اصحاب که فضیلت درک زمان ظهور قائم علیه السلام را می‌شنیدند، آرزو می‌کردند که زنده بمانند و ظهور حضرتش را درک کنند. اما پیشوایان معصوم، آنان را به «معرفت» سفارش می‌کردند.

روزی ابوبصیر خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: آیا شما چنین می‌بینید که من زمان حضرت قائم علیه السلام را درک کنم؟

حضرت از او پرسید: ای ابوبصیر! آیا امام زمان خود را می‌شناسی؟

۱. پیشین، ج ۱۰ / ۳۶۱: مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَلَا يَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، مَاتَ مَيْتَةَ جَاهِلِيَّةٍ.
 ۲. پیشین، ج ۵۲ / ۱۴۱: يَا فَضِيلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ، لَمْ يَضُرْكْ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَ وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْأَمْرِ، كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَا يَبْلُغُ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ.

ابوبصیر گفت: آری، سوگند به خدا، شما امام من هستید و در همان حال، دست مبارک امام را به دست گرفت. امام صادق علیه السلام به وی فرمود:

به خدا سوگند از این که شمشیر بسته، در خیمه حضرت قائم علیه السلام حاضر نیستی، نباید نگران باشی.^۱

۵ - عثمان بن سعید عمّری، دومین نایب خاص حضرت مهدی علیه السلام گوید: من نزد امام حسن عسکری علیه السلام بودم و از آن حضرت در باره حدیثی که از پدرانش نقل می کنند که: «زمین تا روز رستاخیز از حجت الهی خالی نمی ماند و هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مُرده است» پرسیدند.

امام فرمود: این حق است، چنان که روز روشن، حق است.

پرسیدند: ای زاده پیامبر! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود:

پسرم محمد، او امام و حجت پس از من است. هر که بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مُرده است.

از این روایات می توان فهمید: مهمترین ویژگی کسانی که به مرگ جاهلیت می میرند، در ارتباط با ولایت و معرفت ائمه طاهرین، بویژه حضرت قائم علیه السلام است. باید دانست، مقصود از معرفت امام، معرفت شناسنامه ای نیست، بلکه شناخت مقام ولایت و اطاعت از آنان است. بنابراین، اگر کسی امام زمانش را به اسم و رسم بشناسد، ولی از وی اطاعت نکند و ولایتش را قبول نداشته باشد، به مرگ جاهلیت خواهد مُرد. شاهد این سخن، روایت پیامبر صلی الله علیه و آله است که می فرماید:

۱. کافی، ج ۱/ ۳۷۱: ... وَاللَّهِ مَا تُبَالِي يَا أَبَا بَصِيرٍ أَلَا تَكُونُ مُحْتَبِيًّا بِسَيْفِكَ فِي ظِلِّ رِوَاقِ الْقَائِمِ.

کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد تا از او بشنود و اطاعت کند، به مرگ جاهلیت مُرده است.^۱

بنابراین، تنها راه ارتباط ما با امام زمان علیه السلام، شناخت و پذیرش ولایت آن حضرت و سپس تلاش برای عمل کردن به دستورات او - که همان دستورات شرع است - خواهد بود.^۲

□ نتیجه:

- ۱ - معرفت امام و پذیرش ولایت آنان، بالاترین ارزش است.
- ۲ - شناخت امام، شناخت و پذیرش قلبی است که اگر کسی آن را نداشته باشد، زندگی و مرگش، زندگی و مرگ جاهلیت است.
- ۳ - اگر کسی معرفت و ولایت امام زمان علیه السلام را داشت و از درک حضور و دیدن حضرتش محروم شد، خداوند پاداش کسی را که زمان ظهور امام را درک کرده و در سپاه حضرت جهاد کرده، به وی عطا می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۹۲/۲۳: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَسْمَعُ لَهُ وَيُطِيعُ، مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ.

۲. عصاره خلقت / ۶۹.

ولادت امام مهدی (ع)

دوازدهمین امام شیعیان، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. در شهر سامرا، چشم به جهان گشود.

□ نام حضرت: نام آن بزرگوار «محمد»، همان نام جدش رسول الله صلی الله علیه و آله است. تمامی محدثان و مورخان معتقدند که این نام را، پیامبر صلی الله علیه و آله بر او نهاده بود. این همنامی، بی دلیل نیست، بلکه گویای این حقیقت است که: همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله با طلوع خود، جهانیان را از گمراهی و جهل رهایی بخشید، دوازدهمین فرزندش نیز، با ظهور خود، بشریت را از تاریکی جهل و ظلم نجات خواهد داد.^۱

□ لقبهای حضرت: لقبهای مشهور آن حضرت عبارتند از: «منتظر»، «مهدی»، «قائم»، «حجت»، «خلف صالح»، «بقیة الله»، «صاحب الامر»، «منصور»، «ولی عصر»، «صاحب الزمان»، که معروفترین آنها لقب «مهدی» است.

هر یک از لقبها، دارای معنایی ویژه است. مثلاً آن حضرت را «مهدی» گویند، چون به حق هدایت می کند. «قائم» گویند، چون قیام به حق می کند. «منتظر» است، چون مؤمنان در انتظار ظهور اویند. «حجت» است، از آن جهت که حجت خدا بر خلق است.

بر نگین انگشتر حضرت نیز، همین لقب نقش بسته است. عبارت

انگشتی حضرت مهدی، این گونه است: «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ»^۱.

□ نتیجه: بنابراین، اصل ولادت حضرت مهدی علیه السلام و به این جهان آمدن او، از مسلمات تاریخ است و به جز امامان و عالمان و مورخان شیعه، بسیاری از محدثان و مورخان اهل سنت نیز، آن را یک واقعیت دانسته و در کتابهای خود، به آن تصریح کرده‌اند. در اینجا، گفتار چند تن از تاریخ‌نگاران و عالمان اهل سنت را می‌آوریم:

۱ - «محمد بن احمد مالکی»، معروف به «ابن صباغ»، از دانشمندان اهل سنت، در کتابش می‌نویسد:

ابوالقاسم، محمد، حجت، فرزند حسن عسکری علیه السلام است. او در شهر سامرا و در نیمه شعبان ۲۵۵ ق. دیده به جهان گشود.^۲

۲ - علی بن حسین مسعودی، از مورخان اهل سنت، در کتاب خود چنین آورده است:

در سال ۲۶۰ ق. ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، در زمان خلافت المعتمد عباسی درگذشت. او، به هنگام وفات، ۲۹ سال داشت و او، پدر مهدی منتظر است.^۳

۳ - شیخ عبدالله شبراوی شافعی، از علمای اهل سنت، در باره ولادت امام مهدی علیه السلام در کتابش می‌نویسد:

۱. تاریخ عصر غیبت / ۳۸.

۲. امام مهدی از ولادت تا ظهور / ۱۶۷؛ الفصول المهمة / ۲۷۳.

۳. خورشید مغرب / ۱۹؛ مروج الذهب، ج ۴ / ۱۹۹.

یازدهم از ائمه، حسنِ عسکری است. وی، در مدینه، در هشتم ماه ربیع‌الاول، به سال ۲۳۲ ق. تولد یافت و روز جمعه، هشتم ماه ربیع‌الاول، به سال ۲۶۰ ق. درگذشت. او را همین افتخار بس که مهدی منتظر، از فرزندان اوست... مهدی، در سامرا، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق. دیده به جهان گشود...^۱

۴ - عبدالوهاب شعرانی، عالم دیگر اهل سنت، در کتاب خویش، قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت می‌شمارد و می‌نویسد:

امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است و در پانزدهم شعبان به سال ۲۵۵ ق. به دنیا آمده، او زنده و باقی است تا طبق روایت رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله، به هنگام ظهور خود، با حضرت عیسی علیه السلام که از آسمانها فرود می‌آید، دیدار کند.^۲

۵ - ابن خَلِّکان، دانشمند دیگر اهل سنت، در کتاب خود، پیرامون امام زمان علیه السلام می‌نویسد:

ابوالقاسم، محمد بن الحسن العسکری علیه السلام، دوازدهمین امام شیعه است. لقب معروف او «حجت» است. شیعیان، او را «منتظر» و «قائم» و «مهدی» می‌دانند. او، در روز جمعه، نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ ق. زاده شد. هنگام درگذشت پدر، عمر او، پنج سال بود...^۳

۱. خورشید مغرب / ۱۹؛ الاتحاف بِحُبِّ الاشراف / ۱۷۸.

۲. امام مهدی از ولادت تا ظهور / ۱۶۸؛ الیواقیت الجواهر، ج ۲ / ۱۴۳.

۳. خورشید مغرب / ۱۹؛ تاریخ ابن خلکان (وفیات الاعیان)، ج ۳ / ۳۱۶.

□ خلاصه:

اینها، شماری از منابع و اعترافات دانشمندان اهل سنت است که همگی به ولادت حضرت مهدی علیه السلام شهادت داده‌اند و پانزدهم شعبان ۲۵۵ ق. را سالروز میلادش شناخته و پدر بزرگوارش را حضرت عسکری علیه السلام دانسته‌اند.

بنابراین، گروهی از برادران اهل سنت، به دلیل روایات بی‌شماری که در باره ولادت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای آنان موجود است، مانند شیعیان به ولادت آن حضرت معتقدند و آن را موضوعی قطعی و یقینی می‌دانند.^۱

۱. تاریخ نشان می‌دهد که از آغاز اسلام، ستم‌های بسیاری بر اهل بیت پیامبر علیهم السلام رفته و آنان، همواره مظلوم بوده‌اند. اما با این همه، هیچ کس مظلوم‌تر از وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام نیست. بزرگترین ستمی که در حق امام مهدی علیه السلام رفته است، تحریف روایات و مخفی کردن نسب آن حضرت از سوی پیروان سقیفه است. اینان می‌گویند: خداوند در آخر الزمان، مردی مصلح را به وجود می‌آورد و او، «مهدی موعود» است. بر پایه این عقیده، مهدی علیه السلام در آخر الزمان زاده خواهد شد و البته روشن نیست که او از نسل کیست. جلال‌الدین رومی، در مثنوی خویش با تبلیغ این تفکر می‌گوید:

پس به هر دوران، ولّیتی قائم است	تساقیامت، آزمایش دائم است
پس امام حسی قائم، آن ولی است	خواه از نسل عمر، خواه از علی است

یعنی از نظر مولوی بعید نیست که آن دادگستر جهانی و آن برهم زننده بساط ستم، از نسل عمر بن خطاب باشد. در حالی که اصحاب حدیث، روایات متواتری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام از نسل امامان پاک و از نسل امام حسین و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. این تحریف، یکی از ستمهای بزرگی است که در باره حضرت مهدی علیه السلام روا داشته‌اند.

راز پنهان داشتن حضرت مهدی (ع)

خلفای بنی عباس از طریق روایاتی که از پیامبر ﷺ و امامان پاک ﷺ نقل شده بود، دانستند که دوازدهمین امام، همان مهدی است که زمین را پُر از عدل و داد می‌کند و دژهای گمراهی و فساد را ویران می‌سازد و دولت جبّاران را سرنگون می‌کند و طاغوتیان را به قتل می‌رساند و خود، امیر شرق و غرب جهان می‌شود.

چون به این امر پی بردند، کوشیدند تا این نور را خاموش کنند و حضرت را به قتل برسانند. از اینرو، جاسوسانی چند گماشتند و قابله‌هایی را مأمور کردند تا داخل خانه امام را زیر نظر بگیرند. لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خداوند به ارادهٔ خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت.

مورخان گفته‌اند: معتمد عباسی، به قابلگان دستور داده بود، گاه و بیگاه، سرزده، وارد خانه سادات بویژه خانه امام حسن عسکری ﷺ شوند و در درون خانه بگردند و تفتیش کنند و از حال همسر او باخبر گردند و گزارش دهند. اما آنان از هیچ چیز آگاه نشدند. خداوند در بارهٔ مهدی ﷺ، همان کار را کرد که در بارهٔ موسی ﷺ کرد.

به هر حال، حضرت مهدی ﷺ در نیمهٔ شعبان سال ۲۵۵ هجری، در خانهٔ امام حسن عسکری ﷺ، در شهر سامرا، چشم به جهان گشود. اما

چون جانش در خطر بود، از نخستین روز تولد نیز، دور از چشم مردم می‌زیست و مردمان به طور عموم او را نمی‌دیدند. این، برای آن بود که مردمان از حال وی آگاه نشوند تا اطلاعاتی در باره او شایع نگردد و به دست مأموران عباسی نرسد.

حضرت مهدی علیه السلام، مدت پنج سال، در کنار پدر بزرگوارش زندگی کرد. این دوره از سال ۲۵۵ ق، تا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام است. در این مدت، حضرت دور از چشم مردم زندگی می‌کردند.

امام حسن عسکری علیه السلام، در این دوره، دو وظیفه اساسی و حساس به عهده داشتند. یکی حفظ فرزندش از آسیب خلفای بنی‌عباس و دیگری، اثبات وجود او و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم.

امام عسکری علیه السلام، هم فرزندش را حفظ کرد و هم در فرصتهای مناسب، او را به برخی از دوستان و یارانش نشان داد و معرفی فرمود. این، برای آن بود تا اصحاب از تولد و وجود حضرت مهدی علیه السلام آگاه شوند و به موقع لزوم، به شیعیان خبر دهند و مردم را از وجود امام دوازدهم آگاه سازند.

معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان عمّری می‌گویند: روزی چهل نفر از شیعیان نزد امام عسکری گرد آمدند و از آن حضرت خواستند تا حجّت پس از خویش را به آنان نشان دهد و حضرت چنان کرد. آنان، پسری را دیدند که بیرون آمد، همچون پاره ماه، شبیه به پدرش.

امام عسکری علیه السلام به آنان فرمود:

پس از من، این پسر، امام شماسست. از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نشوید که هلاک می شوید و دیتتان تباه می گردد. این را هم بدانید که پس از امروز، او را نخواهید دید، تا این که زمانی دراز بگذرد. بنابراین، از نایب او، عثمان بن سعید، اطاعت کنید.^۱

بدین گونه، حضرت مهدی علیه السلام در نهان می زیست و عموم مردم از او خبر نداشتند و جز تنی چند، کسی او را ندیده بود. تا روز درگذشت امام یازدهم فرا رسید.

پیکر امام را غسل و کفن کرده و گروهی از مردم آمده بودند تا در مراسم نماز بر حضرت شرکت کنند. جعفر کذاب، در صدد ادعای امامت بود و آمده بود تا بر پیکر برادرش امام عسکری علیه السلام نماز بگذارد و خود را امام شیعیان بنامد. اما با صحنه‌ای شگفت روبرو شدند.

جعفر کذاب آماده نماز گزاردن بود که ناگهان کودکی خردسال، اما در نهایت شکوه و عظمت، همچون خورشیدی فروزان، از اندرون سرا به درآمد و عموی خود را کنار زد و خود، بر پیکر پدر نماز گزارد.

آری، حضرت مهدی علیه السلام در آن روز، خود را نشان داد و در میان مردم قرار گرفت. جعفر کذاب را کنار زد و خود، پیش ایستاد و بر خلق امامت کرد و به همگان فهماند که جریان امامت همچنان ادامه دارد.

این خبر، به سرعت در شهر پیچید و به گوش مأموران ستمگر دربار عباسی رسید. آنان فهمیدند کسی که سالها مراقبش بودند تا متولد نشود، اکنون پدید آمده است و خود، مسئولیت ادامه امامت شیعه و مبارزه با

ستم و ستمگران را بر عهده دارد.

از اینرو، معتمد، خلیفه عباسی دستور یورش به خانه امام حسن عسکری علیه السلام و دستگیری و قتل فرزندش را صادر کرد. مأموران دژخیم و خون آشام خلیفه، خانه امام را محاصره کردند و همه جا را به دقت گشتند تا مهدی علیه السلام را بیابند و نزد خلیفه ببرند و گردن بزنند. اما اثری از حضرت حجّت علیه السلام ندیدند.

از این زمان، بر همگان روشن شد که جان آخرین ذخیره الهی را خطری بس سهمگین تهدید می‌کند. این پیشامد، باعث پیدایش مسئله «غیبت» شد و دوازدهمین امام نور، از سوی خداوند فرمان یافت که از دیده‌ها پنهان گردد.^۱

«غیبت» حضرت مهدی علیه السلام دو مرحله داشت: ۱ - غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری. ۲ - غیبت بلند مدت یا غیبت کبری.

در بخش بعدی، به شرح دو مرحله غیبت می‌پردازیم.

غیبت کوتاه امام زمان (ع)

چنان که یاد کردیم، با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق، دوران غیبت کوتاه مدت امام دوازدهم آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ق، یعنی حدود هفتاد سال به طول انجامید. و چون این دوره از نظر زمانی محدود است، به آن غیبت کوتاه (صغری) می‌گویند. این دوره، نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای پذیرش «غیبت بزرگ» داشته است. در طول غیبت کوتاه، گرچه امام از نظرها پنهان بود، اما کسانی بودند که با آن حضرت ارتباط داشتند. آنها را «نایبان خاص» گویند. هر یک از شیعیان می‌توانستند به وسیله نایبان، مشکلات و مسائل خود را به عرض امام برسانند و توسط آنان پاسخ خود را دریافت کنند. گاهی نیز گروهی از مردم به وسیله نایبان خاص به دیدار امام نائل می‌شدند. نایبان خاص که به «نواب اربعه» مشهورند، عبارتند از:

۱- عثمان بن سعید عَمَری: وی، پیش از ولادت امام عصر علیه السلام، وکیل و نماینده امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بود. او را «عسکری» نیز می‌گویند، زیرا در محله «عسکر سامرا» می‌زیست.

وی، در میان شیعیان به «سَمَّان: روغن فروش» معروف بود. چون برای پوشش نهادن امر وکالت به تجارت روغن می‌پرداخت و هرگاه شیعیان می‌خواستند حقوق واجب اموال خویش را نزد امام عسکری علیه السلام ببرند،

آنها را توسط وی می‌فرستادند. او نیز، برای تقیه و بیم بر جان امام، پولها را در مشک‌های روغن جاسازی می‌کرد و نزد حضرت می‌فرستاد. او، افتخار خدمت به امام هادی علیه السلام را نیز در پرونده زندگی شایسته خویش داشت و از یازده سالگی به این شرافت دست یافت و پس از شهادت آن حضرت، خداوند نمایندگی و وکالت خاص امام عسکری علیه السلام را روزی او ساخت.

پس از شهادت امام عسکری، حضرت مهدی علیه السلام جناب «عمری» را به سفارت و نمایندگی خاص خویش برگزید. از اینرو، وی نخستین سفیر و نایب و رابط میان شیعیان و امام زمان بود. شیعیان، پرسش‌های دینی و مشکلات خود را توسط عثمان بن سعید به محضر امام زمان علیه السلام عرضه می‌کردند. سپس پاسخ حضرت طی نامه‌ای به خط مبارک صادر می‌شد و توسط وی به شیعیان می‌رسید.

□ ۲- محمد بن عثمان: او پس از مرگ پدرش عثمان بن سعید، رسماً از سوی امام زمان علیه السلام به مقام نیابت خاص تعیین گردید. حضرت، طی نامه‌ای به بزرگان شیعه، به همگان خبر داد که «محمد بن عثمان» نایب دوّم اوست.^۱

مرگ وی در پایان ماه جمادی‌الاول سال ۳۰۵ (ه ق) رخ داد و در شهر بغداد به خاک سپرده شد. مرقد باشکوهش امروزه در بغداد معروف است و مردم به زیارت آن می‌روند.

۱. خورشید در نهان (ترجمه غیب طوسی) / ۵۱۲.

۳ □ - حسین بن روح: محمد بن عثمان، در سالهای آخر عمرش بسیار پیر و ناتوان شده بود. از اینرو، در دو سال آخر زندگی خود، دریافت اموال شیعیان را به حسین بن روح واگذار کرده بود. او، در واپسین لحظات زندگی، سران و بزرگان شیعه را گرد آورد و به آنان گفت:

اگر من از دنیا رفتم، نیابت حضرت به ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی می‌رسد و من دستور یافته‌ام او را پس از خود جانشینم گردانم. بنابراین، به او رجوع کنید و در کارهایتان بر او متکی باشید.^۱

حسین بن روح، پس از درگذشت محمد بن عثمان، در آخر جمادی‌الاولی سال ۳۰۵ هجری، مسئولیت امر نیابت را به عهده گرفت. وی، از سال ۳۰۵ تا سال ۳۲۶، به مدت ۲۱ سال منصب سفارت را از ناحیه مقدسه بر عهده داشت و در تاریخ ۱۸ شعبان همان سال، چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در بغداد به خاک سپردند و مقبره‌اش زیارتگاه شیعیان است. بنابر وصیت وی و به دستور امام زمان علیه السلام، مقام نیابت خاص پس از او، به «ابوالحسن علی بن محمد سمری» رسید.

۴ □ - علی بن محمد سمری: وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود و پس از درگذشت حسین بن روح، به مقام نیابت رسید و مدت سه سال این منصب را بر عهده داشت. علی بن محمد سمری، سرانجام در شعبان سال ۳۲۹ هجری بیمار شد و در نیمه شعبان آن سال چشم از جهان فرو بست. با مرگ او، باب سفارت و نیابت بسته شد. دیگر کسی ادعای

نیابت نمی‌کند، مگر این که دروغگو باشد.

در آن روزها، از او خواسته شد کسی را به جانشینی خویش تعیین نماید. در پاسخ فرمود:

«لِلَّهِ أَمْرٌ هُوَ بِالْعُتَّةِ: خداوند آنچه را بخواهد، خود به انجام رساند».

آنگاه نامه‌ای را که از ناحیه مقدسه حضرت مهدی علیه السلام رسیده بود، برای مردم به این شرح قرائت کرد:

به نام خداوند بخشاینده مهربان، ای علی بن محمد سَمَری! خدا پاداش برادرانت را در سوگ تو ارج نهد. تو تا شش روز دیگر در جوار معبود قرار خواهی گرفت. کارهایت را سامان ده و به هیچ کس وصیت مکن که پس از رحلت جانشین تو گردد، زیرا غیبت بزرگ فرارسیده است، و من از این پس آشکار نخواهم شد، تا روزی که خدای تبارک و تعالی، اجازه ظهور دهد و آن، پس از مدتی بس دراز خواهد بود که دلها را قساوت خواهد گرفت و زمین لبریز از ظلم و ستم خواهد شد. در این دوران، برخی از شیعیان ادعای مشاهده خواهند کرد. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، مدعی دیدارم شود، دروغ گفته است و توان و قدرت، تنها از آن خدای بزرگ و بلند مرتبه است.^۱

بدینسان، آخرین سفیر حضرت مهدی علیه السلام، طبق پیشگویی حضرت، در روز ششم دیده از جهان فرو بست و با مرگ او، دوران غیبت کوتاه پایان یافت و غیبت بزرگ آغاز شد.

غیبت بزرگ امام زمان (ع)

دوران غیبت بزرگ، پس از سپری شدن دوران غیبت کوتاه، از سال ۳۲۹ ق، آغاز شد و تا کنون ادامه یافته و به امر خداوند تا زمانی که زمینه پذیرش رهبری و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم شود، ادامه می یابد.

در دوران «غیبت کوتاه»، مردم از طریق «نایبان خاص» با امام زمان علیه السلام ارتباط داشتند. اما با آغاز «غیبت کبری»، هدایت شیعیان تحت عنوان: «نیابت عامه»، از سوی حضرت مهدی علیه السلام پایه گذاری شد. بر اساس یک ضابطه کلی که امام به دست داد، در هر زمان، هر کس که آن ضابطه را از هر جهت و در همه ابعاد دارا باشد، نایب امام شناخته می شود و به نیابت از او، ولی جامعه در امر دین و دنیا خواهد بود. این مقام به وسیله ائمه طاهرین علیهم السلام و بویژه حضرت مهدی علیه السلام به عالمان واجد شرایط واگذار شده است. بنابراین، مخالفت با دستور و رد حکم چنین پیشوای دینی، رد بر امام است و رد بر امام، رد بر پیامبر و رد بر پیامبر، رد بر خدا و احکام خداست. در این باره، دلایل فراوانی نقل شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱ - اسحاق بن یعقوب، در باره تکلیف شیعیان در غیبت کبری، از امام زمان علیه السلام سؤال کرد و توفیق زیر در پاسخ وی صادر گردید:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ:

در پیشامدهایی که برای شما رخ می‌دهد، به راویان اخبار ما (یعنی علما) رجوع کنید. اینان، حجت من بر شما و من، حجت خدا بر آنانم.^۱

۲ - امام حسن عسکری علیه السلام نیز، در باره رجوع به علما فرموده است:

وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ:

هر یک از فقیهان که بر نفس خود چیره باشد و دین خود را حفظ کند و با هوای نفس خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند، بر همگان واجب است که از او تقلید کنند.^۲

بدین‌گونه، امور مسلمانان در زمان «غیبت کبری»، توسط امام معصوم، به «ولی فقیه» سپرده شد که باید زیر نظر او، سامان یابد. بنابراین، مشروع بودن حکومت و قوانین دولتی و اسلامی بودن روابط سیاسی و اجتماعی، همه و همه، بستگی دارد به تصویب و تنفیذ نایب امام. اگر نایب امام، حکومتی را تصویب نکند، آن حکومت، طاغوتی است و چنین حکومتی ارتباطی به دین خدا و امامت ندارد.

گرچه منصب «قضاوت» و «حکم» برای فقیهان از پیش، توسط ائمه علیهم السلام جعل شده بود، ولی رسمیت مرجعیت و رهبری عالمان و مجتهدان از این تاریخ پدید آمد و تا ظهور حضرت حجت علیه السلام ادامه خواهد یافت.

۱. غیبت طوسی / ۲۹۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷ / ۱۳۱.

رازهای غیبت قائم (ع)

بی شک، همه اسرار و دلایل غیبت امام زمان علیه السلام برای ما روشن نیست. مهمترین دلایل غیبت که در روایات پیشوایان اسلام به آن اشاره شده، چنین است:

۱- امتحان الهی: از سنت‌های الهی، آزمایش بندگان و گزینش پاکان و نیکوکاران است. در اثر غیبت حضرت مهدی علیه السلام، مردم آزمایش می‌شوند. گروهی که ایمان استواری ندارند، دستخوش شک و تردید می‌شوند، اما کسانی که ایمان در زوایای قلبشان ریشه کرده، به سبب انتظار ظهور آن حضرت و ایستادگی در برابر سختی‌ها، به درجات والای شایستگی و کمال دست می‌یابند و اجر و پاداش بیشتری از خدا دریافت می‌کنند. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند. او، ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به گونه‌ای که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می‌گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان را آزمایش می‌کند.^۱

۲- دلایل ناشناخته غیبت: برخی از دلایل غیبت بر همگان پوشیده است و اسرار آن، پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام آشکار خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست و آن، به دلایلی است که به ما اجازه افشای آنها داده نشده است. اجمال حکمت آن، همان حکمت غیبت پیامبران پیشین است که دلیل اصلی آن، جز پس از ظهور دانسته نمی‌شود. چنان که حکمت کارهای شگفت‌انگیز حضرت خضر برای حضرت موسی کشف نشد، مگر وقتی که از یکدیگر جدا شدند. آنگاه معلوم شد که چرا کشتی را سوراخ کرد و جوان را کشت و دیوار را بنا کرد. اگر خدای تبارک و تعالی را حکیم بدانیم، همه افعال خدا را مطابق حکمت و مصلحت خواهیم دانست، گرچه علت برخی از آنها برای ما روشن نباشد.^۱

۳- حفظ جان امام: خدای متعال، غیبت را ضامن طول عمر امام زمان علیه السلام قرار داده است. اگر حضرتش از نظرها پنهان نمی‌شد، او نیز مانند نیاکانش به دست حاکمان ستمگر، به شهادت می‌رسید.

حاکمان جبّار از پیشگویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله دریافته بودند که دوازدهمین پیشوای مسلمانان، حکومت ظلم و کفر آنان را از روی زمین برخواهد چید. از اینرو، در پی آن بودند که از تولد حضرت مهدی علیه السلام جلوگیری کنند و اگر تولد یافت، او را به شهادت برسانند.

بنابراین، غیبت، یکی از راه‌های مصون ماندن از شر دشمنان خون‌آشام است. اگر حضرتش در میان مردم حضور داشته باشد، جانش به خطر می‌افتد و به انجام مأموریت الهی خود موفق نمی‌گردد.

زُرارَه، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود:

امام منتظر، پیش از قیام خویش، مدتی از چشمها غایب خواهد شد.

پرسیدم: چرا؟ فرمود: زیرا بر جان خویش بیمناک است.^۱

۴- ترس از مرگ: در برخی از روایات آمده که: «امام زمان علیه السلام از ترس کشته شدن غیبت می‌کند». معنای ترس در اینگونه روایات، ترس عقلی است. یعنی حضرت ولی عصر علیه السلام می‌ترسد که اگر در میان مردم ظاهر باشد، دشمنانش او را بکشند و با کشته شدن او، واسطه فیض بین خلق و خالق گسسته گردد، امدادهای الهی به انسان‌های شایسته نرسد و وعده الهی در حاکمیت صالحان تحقق پیدا نکند.

اینگونه ترس، بسیار پسندیده است و گاه، ترتیب اثر دادن به آن واجب است، بویژه که او آخرین ذخیره الهی است. عقل می‌گوید: حفظ جان در این صورت واجب است، چون خون دادن مهم نیست، مهم آن است که خون به نتیجه برسد و به بار بنشیند.

۵- آزادی از بیعت با طاغوتیان: حضرت مهدی علیه السلام، هیچ حکومتی را، حتی از روی تقیه، به رسمیت نمی‌شناسد. او، مأمور به تقیه از هیچ پادشاهی نیست و زیر سلطه هیچ حکومت ستمگری در نیامده و نخواهد آمد. او، وظیفه دارد دین خدا را به طور کامل و بی هیچ پرده‌پوشی اجرا کند. بنابراین، بیعت هیچ حاکم و طاغوتی را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. حسن بن فضال می‌گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، برای هیچ کس در گردن او بیعت نخواهد بود. از اینرو، ولادتش مخفی و خودش از دیده‌ها پنهان است.^۱

۶- تکامل فکری انسانها: از فواید دیگر غیبت، تکامل فکری کسانی است که شایستگی یاری حضرت مهدی علیه السلام را دارند. آنان از شهر و دیار خود به سوی او می‌شتابند و دعوتش را لیبک می‌گویند. بنابراین، به حکومت رسیدن صالحان و گسترش عدالت در سراسر جهان، شرایطی دارد که بدون تحقق آن شرایط، دستیابی به آن هدف بزرگ ممکن نخواهد بود. این شرایط در طول زمان حاصل می‌شود، به گونه‌ای که هر اقدامی پیش از آن شرایط، ناقص می‌ماند. با این تحلیل، معلوم می‌شود غیبت امام زمان علیه السلام برای تحقق آن شرایط است که عمده آن، پرورش انسان‌های صالح و ایجاد آمادگی در مردم برای پذیرش حکومت عادلانه جهانی آن حضرت است.

□ نکته پایانی: در بررسی «فلسفه غیبت»، نباید از هدف اصلی دور شویم. مقصود حقیقی این است که بدانیم وظیفه ما، در دوران غیبت چیست؟ چنانکه حضرت حجّت علیه السلام، در نامه خود به اسحاق بن یعقوب فرمودند:

درهای سؤالات بی‌خاصیت را ببندید و در پی دانستن چیزهایی که از شما خواسته نشده، نباشید. برای تعجیل در ظهور دعا کنید، که فرج شما نیز خواهد بود.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۹/۵۱: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ، لَمْ يَكُنْ فِي عُنُقِهِ بِنَعَةٌ، فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَا دَعْوَةٌ.

۲. عصاره خلقت / ۱۱۵: فَاعْلَمُوا أَنَّ أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَغْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كَفَيْتُمْ.

در انتظار ظهور

«انتظار»، یعنی آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام. به کسی «منتظر» می‌گویند که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. بی‌شک، چنین انتظاری سازنده و امیدبخش است، به گونه‌ای که می‌تواند از بزرگترین عبادات به شمار آید. امیرمؤمنان علی علیه السلام در باره اهمیت انتظار می‌فرماید:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید، زیرا که بهترین اعمال نزد خداوند صاحب عزت و جلال، انتظار فرج است.^۱

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش، چشم به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش، فرمانبردار اویند. آنان، اولیای خدایند، همانان که هیچ ترس و اندوهی بر ایشان نیست.^۲

به طور کلی، انتظار بر دو گونه است:

۱- انتظار قلبی: یعنی آمادگی برای پذیرش دعوت و ایستادگی روحی برای رسیدن کسی که انتظار آمدنش هست.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲/ ۱۲۳.

۲. کمال‌الدین، ج ۲/ ۶۴۵.

۲- انتظار عملی: یعنی تلاشی سازنده برای تغییر نابسامانی‌های جامعه و مبارزه با طاغوتها و شیاطین و ستمگران و ایجاد صلح و عدالت و آسایش برای مردم. آن که مهمان بزرگواری را دعوت کرده، برای پذیرایی از او، غذا و جای استراحت مهمان را فراهم می‌کند. همچنین، کشاورزی که دانه‌ای در زمین افشانده باشد، در انتظار باران است. تاجر، وقتی انتظار سود دارد که کالای خود را آماده کرده و در معرض فروش گذاشته باشد. و این انتظار، انتظار کامل خواهد بود.

بنابراین، منتظران بر دو گونه‌اند:

منتظران قلبی، که از شدت ظلم و جور به تنگ آمده و آه می‌کشند و در آرزوی رسیدن حضرت مهدی علیه السلام هستند، ولی برای تحقق حکومت عدل تلاش نمی‌کنند و قدمی بر نمی‌دارند. بیشتر منتظران امام زمان علیه السلام از این گونه‌اند. اما باید دانست آنچه ظهور قائم آل محمد علیه السلام را سرعت می‌بخشد، انتظار عملی برای تحقق حکومت عدالت است. هرچه شمار منتظران عملی افزونتر گردد، ظهور آن بزرگوار نزدیکتر می‌شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، باید انتظار کشد و در حال آمادگی، به پارسایی و زیبایی‌های اخلاقی، عمل کند.^۱

انتظار عملی، نیازمند صبر و شکیبایی است. انتظار، بدون صبر و پایداری در برابر مشکلات، پوسته‌ای بی‌مغز و قالبی بی‌محتوا است.

۱. راه مهدی / ۸۸؛ غیبت نعمانی / ۲۰۰: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَسْتَبْطِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَخَابِرِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ.

کسی که منتظر تحقق یافتن هدفی مقدس است، باید تا فرارسیدن و شکل‌گیری آرمان خویش، شکیبایی ورزد و تاب و توان خود را از دست ندهد و هر رنج و سختی را با بردباری بپذیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره منتظران واقعی فرموده است:

پس از شما گروهی خواهند آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شماست. گفتند: یا رسول الله! مگر نه این است که ما در حضور شما در جنگهای بدر و أُحُد و حُنین شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شد؟ فرمود: اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می‌داد، شما نمی‌توانستید همچون آنها شکیبایی نمایید.^۱

امام علی علیه السلام نیز، پیرامون رابطه صبر و انتظار می‌فرماید:

قائم ما، غیبتی طولانی در پیش دارد. مزده باد آن کس را که در دوران غیبت بر دین خود پابرجا ماند و در روزگار طولانی غیبت امامش، به قساوت و سنگدلی دچار نگردد. او در روز رستاخیز، با من و در درجهٔ من خواهد بود.^۲

□ رابطهٔ صبر و معرفت: چنان که یاد کردیم، در واژهٔ «انتظار» معنای «صبر و شکیبایی» نهفته است. منتظر واقعی کسی است که برای ظهور مولایش، با مشکلات مبارزه می‌کند و در این راه صبر و شکیبایی می‌ورزد. اما باید دانست که «صبر» باید با «معرفت» همراه باشد. هر چه

۱. غیبت طوسی / ۲۷۵: سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَحُنينٍ وَأُحُدٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمِلُونَ مَا حَمَلُوا، لَمْ تَصْبِرُوا وَصَبَرْتُمْ.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۹/۵۱.

شناخت و معرفت انسان نسبت به مولایش بیشتر باشد، صبر و شکیبایی او در روزگار سخت غیبت، افزونتر می‌گردد. بنابراین، یکی از وظایف منتظران، شناخت حضرت مهدی علیه السلام است، که در بخش بعدی، به شرح آن می‌پردازیم.

□ پاداش انتظار: آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام و استقرار حکومت صالحان و مستضعفان و کوتاه شدن دست ظالمان و ستمگران و برقراری نظام قسط و عدالت بر سراسر جهان و گسترش رفاه و آسایش در جای جای زمین است.

بنابراین، چون انسان منتظر، برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را در سر دارد، از بهترین ارزشها و پاداشها برخوردار است.

مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چه می‌فرماید در باره کسی که ولایت شما را پذیرفته و در انتظار ظهور حکومت حق است و در این حال از دنیا می‌رود؟ امام در پاسخ وی فرمود:

او، همچون کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او بوده باشد. سپس لحظه‌ای درنگ کرد و فرمود: او، مانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (در جنگهایش) همراه بوده است.^۱

۱. پیشین، ج ۱۲۵/۵۲: هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ...

وظایف منتظران ظهور

در باره وظایف منتظران در دوران غیبت، سخن‌های بسیاری گفته شده، که در اینجا، شماری از مهمترین آنها را یادآور می‌شویم:

۱- شناخت امام زمان علیه السلام : اولین و مهمترین وظیفه هر شیعه منتظر، معرفت و شناخت نسبت به وجود مقدس امام زمان خویش است. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد، بمیرد، مُردنش مُردن جاهلی است و هر کس در حال شناختن امامش بمیرد، پیش افتادن و یا تأخیر این امر (یعنی ظهور قائم علیه السلام) به او زیانی نمی‌رساند و هر کس بمیرد، در حالی که امامش را شناخته، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام با آن حضرت باشد.^۱

امام صادق علیه السلام در باره کمترین حد معرفت امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

کمترین حد معرفت به امام، آن است که بدانی امام با پیامبر علیه السلام در یک رتبه است، مگر در رتبه نبوت. امام، وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او، اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود و به سخن و فرمان او عمل کرد.^۲

۱. کافی، ج ۲ / ۳۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴ / ۵۵.

بی‌گمان، شناخت امام زمان علیه السلام از شناخت دیگر امامان معصوم علیهم السلام جدا نیست. بنابراین، اگر کسی به طور کلی مقام و ویژگیهای امامان معصوم را شناخت و به مسئولیت خویش در برابر آنان آگاه شد، قطعاً نسبت به حضرت مهدی علیه السلام نیز، به شناختی واقعی دست خواهد یافت.

□ ۲ - پاکسازی جان و پرهیز از گناهان: وظیفه دیگر شیعه منتظر، آراستگی به اخلاق نیکو و دوری از زشتی‌ها و کارهای ناپسند است. چنان که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هر کس دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، باید که چشم به راه باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید. پس چنانچه بمیرد و قائم علیه السلام قیام کند، پاداش او همچون کسی است که آن حضرت را درک کرده است. پس بکوشید و در انتظار بمانید...^۱

حضرت مهدی علیه السلام نیز، با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه شیعیان را در عصر غیبت به انجام کارهای پسندیده و پرهیز از گناهان فراخوانده و می‌فرماید:

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب ناخشنودی ما می‌گردد، پرهیزد. زیرا فرمان ما، به یکباره فرامی‌رسد و در آن زمان، توبه برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما رهایی نمی‌بخشد.^۲

نکته مهم آن که: اعمال ناروا و گناهان شیعیان، یکی از عوامل

۱. غیبت نعمانی / ۲۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳ / ۱۷۶.

طولانی شدن غیبت حضرت مهدی علیه السلام و محرومیت شیعیان از دیدار آن بزرگوار می‌باشد. امام زمان علیه السلام ضمن نامه‌ای به دانشمند بزرگ شیعه: «شیخ مفید» می‌نویسد:

پس تنها چیزی که ما را از شیعیان پوشیده می‌دارد، همان کارهای ناشایستی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود.^۱

□ ۳- آمادگی برای یاری حضرت: شیعیان منتظر، که وجودشان سرشار از عشق حضرت مهدی علیه السلام است، بزرگترین افتخارشان خدمت به ساحت بلند قائم آل محمد است. امام صادق علیه السلام، آنگاه که نام آخرین حجّت الهی را شنید، با حسرتی برآمده از ژرفای جان، فرمود:

اگر مهدی علیه السلام را درک کنم، در تمام روزهای عمرم، خدمتگزار او خواهم بود.^۲

□ ۴- دعا برای تعجیل فرج: از وظایف مهم منتظران، دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است. امام حسن عسکری علیه السلام، دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های دوران غیبت دانسته و فرموده است:

به خدا سوگند، او غیبی خواهد داشت که از آن، تنها کسانی از هلاکت رهایی می‌یابند که خداوند آنها را بر قول بر امامتش ثابت قدم بدارد و در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده باشد.^۳

۱. پیشین، ج ۱۷۸/۵۳: ... فَمَا يَجْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.

۲. غیبت طوسی / ۲۴۵: لَوْ أَدْرَكْتُه لَخِدْمْتُهُ أَبَامَ حَيَاتِي.

۳. کمال‌الدین، ج ۲/۳۸۴.

امام صادق علیه السلام نیز در باره فایده دعا برای تعجیل فرج می‌فرماید:

هر کس پس از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ: خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن، نمی‌میرد تا قائم علیه السلام را دریابد.^۱

□ ۵- بزرگداشت نام و یاد مهدی علیه السلام: دوستداران اهل بیت علیهم السلام باید نام همه امامان معصوم را بزرگ بدارند، اما در این میان، حضرت مهدی علیه السلام از جایگاه و احترامی ویژه برخوردار است، تا آن‌جا که در روایتی می‌خوانیم:

روزی در مجلس امام صادق علیه السلام نام مبارک حضرت قائم علیه السلام برده شد و حضرت، به منظور بزرگداشت و احترام نام حضرت مهدی علیه السلام، از جای برخاست و ایستاد.^۲

همچنین در تاریخ آمده: زمانی که دِعبِل خزاعی، قصیده معروف خود در وصف اهل بیت علیهم السلام را در پیشگاه امام رضا علیه السلام می‌خواند، آن بزرگوار با شنیدن نام حضرت مهدی علیه السلام از جای برخاست و دست خود را به نشانه تواضع، بر سر نهاد و برای تعجیل در فرج وی دعا کرد.^۳

بدین‌گونه، دوستداران حضرت مهدی علیه السلام، در مجالس خویش نام حضرتش را به عظمت یاد می‌کنند و با ذکر فضایل آن بزرگوار، محبتش را در دلها افزون می‌سازند و برای تعجیل در فرجش دعا می‌کنند!

۱. بحار الانوار، ج ۷۷/۸۶.

۲. نجم الثاقب / ۵۲۳.

۳. الزام الناصب / ۸۱، نقل از: دادگستر جهان / ۱۲۵.

وقت ظهور امام مهدی (ع)

از پرسش‌های مهم در بحث مهدویت، پرسش از «وقت ظهور» است، به گونه‌ای که حتی سالها پیش از ولادت حضرت حجت علیه السلام در این باره از امامان معصوم پرسش می‌شد. اما حکمت خدای تعالی بر آن قرار گرفته که زمان ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام در میان مردم نامعلوم و از آنان پوشیده باشد. از اینرو، هیچ کس نمی‌داند آن بزرگوار در چه زمانی ظهور خواهد کرد.

گرچه در کتابهای حدیثی شیعه و اهل سنت روایات بی‌شماری پیرامون ابعاد گوناگون حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد، با این حال، در هیچ روایتی «وقت ظهور» آن حضرت مشخص نشده است.

جالب این که: پیشوایان دین علیهم السلام، وقت ظهور قائم آل محمد علیه السلام را همچون علم به قیامت، از اسرار الهی دانسته و وقت‌گذاران را دروغگو شمرده‌اند. در این باره به چند روایت می‌نگریم:

۱ - فضیل بن یسار گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا هنگامه ظهور معلوم است؟ حضرت سه بار فرمود:

کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.^۱

۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در باره قائم علیه السلام پرسش کردم.

۱. کافی، ج ۱/ ۳۶۸: کَذِبَ الْوَقَاتُونَ، کَذِبَ الْوَقَاتُونَ، کَذِبَ الْوَقَاتُونَ.

حضرت فرمود:

کسانی که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند. ما اهل بیت، وقتی برای آن تعیین نمی‌کنیم. سپس افزود: خداوند اراده فرموده است با کسانی که وقتی برای ظهور تعیین می‌کنند، مخالفت نماید.^۱

۳ - عبدالرحمان بن کثیر گوید: روزی در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مهزَم اسدی بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد: فدایت گردم، وقت ظهوری که شما در انتظار آن به سر می‌برید، چه زمانی رُخ خواهد داد، چرا که زمانش طولانی شده است؟

امام صادق علیه السلام به وی فرمود:

ای مهزَم! تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ می‌گویند و شتاب کنندگان در آن، هلاک می‌شوند و تنها، کسانی که تسلیم فرمان الهی هستند، نجات خواهند یافت و به سوی ما باز خواهند گشت.^۲

۴ - در تاریخ آمده: هنگامی که دعبل خزاعی در حضور امام رضا علیه السلام در ضمن اشعارش، از ظهور و قیام قائم آل محمد علیه السلام سخن گفت، آن بزرگوار، در حالی که اشک از دیدگانش جاری بود، به دعبل فرمود:

ای خزاعی! همانا روح القدس این دو بیت را بر زبان جاری ساخت. آیا می‌دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می‌کند؟

۱. غیبت نعمانی/ ۲۹۴: كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ، إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُؤَقَّتُ، ثُمَّ قَالَ: أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَخْلِفَ وَقْتُ الْمُؤَقَّتِينَ.
 ۲. کافی، ج ۳۶۸/۱: قَالَ: يَا مَهْزَمُ! كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ وَ الْبَيْتَا يَصِيرُونَ.

آنگاه حضرتش به معرفی امام مهدی علیه السلام پرداخت. سپس در باره وقت ظهورش فرمود:

اما این که «چه زمانی ظهور خواهد کرد»، این خبر دادن از وقت است. پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که: وقتی از آن بزرگوار سؤال شد: ای رسول خدا! قائم از دودمان شما، چه زمانی ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مثل او، مثل قیامت است که (خداوند در باره زمان وقوعش چنین) فرمود: «جز او، هیچ کس آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند»، این حادثه بر آسمانها و زمین گران است، جز ناگهانی به شما نمی‌رسد.^۱

۵- برخی از شیعیان از حضرت مهدی علیه السلام پیرامون زمان ظهور پرسش کردند. آن حضرت، در توقیع شریف خود، چنین فرمود:

و اما ظهور قَرَج، همانا در اختیار خداوند متعال است و وقت گذاران دروغ گفتند.^۲

در برخی روایات، از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان حادثه‌ای ناگهانی یاد شده است. از جمله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

در آن هنگام، همچون شهابی فروزان خواهد آمد.^۳

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲ / ۲۶۶.

۲. غیبت طوسی / ۲۹۱.

۳. کمال الدین، ج ۱ / ۲۸۷.

امام باقر علیه السلام نیز، ضمن بیان غیبت حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

او، همانند شهابی شعله‌ور، ظاهر خواهد شد.^۱

از این دو روایت دانسته می‌شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام همچون فرارسیدن شهاب، ناگهانی و سریع و غافلگیرانه خواهد بود. از آنجایی که یکی از دلایل غیبت آن حضرت، تلاش دشمنان برای نابودی وی می‌باشد، روشن بودن زمان ظهور، آنان را برای از بین بردن و مقابله با آن حضرت آماده می‌سازد. در حالی که نامعلوم بودن و ناگهانی بودن زمان ظهور، باعث غافلگیری دشمنان خواهد شد.^۲

۱. غیبت طوسی / ۱۵۹.

۲. فرهنگنامه مهدویت / ۴۳۲.

شرایط ظهور امام مهدی (ع)

شرایط ظهور، یعنی چیزهایی که ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام را ممکن می‌سازد و آن را پدیده‌ای منطقی و لازم می‌نمایاند. شرایط ظهور، با نشانه‌های ظهور متفاوت است.

برای مثال: وجود شماری از انسان‌های پاکدل و فداکار، برای آغاز انقلاب جهانی، از جمله «شرایط ظهور» است، لیکن چیزهایی مانند «ندای آسمانی» و «خروج سفیانی»، از نشانه‌های ظهور شمرده می‌شود. شرایط ظهور امام عصر علیه السلام به طور کامل برای ما روشن نیست، اما برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- قانون کامل: وجود دین کامل و طرحی آسمانی با قوانین درست خود، عدالت واقعی را در جهان برپا می‌سازد و سعادت و کمال انسانها را به ارمغان می‌آورد.

پرواضح است که این شرط، با بعثت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و نزول قرآن کریم، تحقق یافته است.

۲- رهبر معصوم: وجود رهبری شایسته و هدایتگری معصوم که از سوی خداوند برای رهبری مردم، از دیگر شرایط ظهور است. این شرط نیز، با تولد حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ ق. تحقق یافت.

۳- یاران مخلص و فداکار: وجود گروهی انسان‌های پرهیزکار و فداکار که برای دفاع همه‌جانبه از برنامه‌های امام معصوم آمادگی کامل داشته باشند. از این گروه به «اصحاب و یاران خاص» حضرت مهدی علیه السلام تعبیر

می‌شود. امام جواد علیه السلام در باره آنان می‌فرماید:

و از اصحابش، ۳۱۳ نفر، به شماره اصحاب بدر، از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند و این، همان قول خداوند است که فرموده: «هر کجا باشید، خداوند همگی شما را باز می‌آورد. همانا خدا بر همه چیز تواناست». ^۱ چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند، خداوند امرش را ظاهر سازد و چون عقد (یعنی ده هزار نفر) کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام کند. ^۲

□ نکته: گرچه شرط اول و دوم ظهور حضرتش فراهم شده، لیکن برای پدید آمدن ظهور امام عصر علیه السلام باید همه شرایط تحقق یابد. و چنان که می‌دانیم، شرط سوم هنوز تحقق نیافته است. برای تحقق این شرط، باید تلاش کرد و در راستای تربیت نفوس خویش و دیگران کوشید. افزون بر شرایط یاد شده، احتمال وجود برخی شرایط دیگر نیز هست. باید همه آن شرایط واقع شود تا زمینه ظهور به طور کامل فراهم آید. برای سرعت یافتن شرایط ظهور و رُخ نمودن آفتاب تابان ولایت، یعنی حضرت مهدی علیه السلام دعا و زاری به درگاه خداوند متعال بسیار سودمند است. ^۳ چنان که آن بزرگوار، پیروان و منتظران خویش را به دعا برای تعجیل فرج فراخوانده و فرموده است:

برای فرج بسیار دعا کنید، که نجات شما نیز به آن بستگی دارد... ^۴

۱. بقره: ۱۴۸.

۲. کمال‌الدین، ج ۲/ ۳۷.

۳. فرهنگنامه مهدویت / ۲۳۷.

۴. غیبت شیخ طوسی / ۱۷۷.

□ توضیح: اصحاب قائم علیهم السلام همان ۳۱۳ نفرند که امیر مؤمنان و امام صادق علیه السلام، آنان را «پرچمداران سپاه قائم علیه السلام» نامیده‌اند. این، نشان می‌دهد که اصحاب آن حضرت، نقش مهمی در سازماندهی و فرماندهی سپاه امام عصر علیه السلام و گشودن شهرها و ادارهٔ جامعه بر عهده دارند. امام صادق علیه السلام در معرفی آنان فرموده است:

هنگامی که خداوند به حضرت مهدی علیه السلام فرمان قیام می‌دهد، او خدای را به نام خاصی می‌خواند، آنگاه است که یاران اصلی او که ۳۱۳ نفرند، بسان ابرهای پراکنده پاییزی، از سراسر جهان برگرد او حاضر می‌گردند. اینان، پرچمداران سپاه بزرگ اویند. برخی از آنان، شامگاه - همانگونه که در بسترش خفته - ناپدید و در مکه حاضر می‌شود و برخی دیگر که از نظر نام و نشان شناخته شده‌اند، در روز روشن بوسیلهٔ ابرها، به سوی هدف می‌شتابند...^۱

اما «انصار قائم علیه السلام»، مردم باایمان و درستکاری هستند که با قیام حضرت از مکه، به تدریج به سپاه او می‌پیوندند و با دشمنان حق و عدالت می‌جنگند و سراسر جهان را سرشار از عدل و داد می‌نمایند. امامان معصوم علیهم السلام در دعاها و زیارتنامه‌ها، به مؤمنان فرموده‌اند که از خدا بخواهند تا آنان را از انصار و یاران امام مهدی علیه السلام قرار دهد. از جمله در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

... وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتِكُمْ وَ أَنْ يُوفِّقَنِي
 لِلطَّلَبِ بِثَارِكُمْ مَعَ الْأَمَامِ الْمُتَنْظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ...
 و از خدای نیکوکار و مهربان می‌خواهم که دوستی شما را روزی من
 سازد و مرا برای خونخواهی شما، به همراه «امام منتظر» و هدایت
 کننده به حق و عدالت از خاندان محمد ﷺ موفق سازد.

و نیز، در زیارتی که از امام باقر علیه السلام رسیده، چنین آمده است:

وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ...
 و از خدا می‌خواهم که خونخواهی شما را به همراه امام هدایت و گویای
 به حق، از شما خاندان رسالت که آشکار خواهد شد، روزی من سازد.

بار خدایا! از درگاه تو می‌خواهیم که فرج قائم آل محمد علیهم السلام را
 نزدیک گردانی و او را از پس پرده غیبت درآوری و ما را از یاوران
 حضرتش قرار دهی، تا در سایه رهبری او، رسم ستم و ستمگری از
 جهان برافتد و جهانی لبریز از عدل و ایمان، دانایی و شایستگی، به
 بشریت ارزانی شود، ان شاء الله!

مژده ظهور در کتب آسمانی

از دیرباز، آرزوی یک مصلح جهانی، همواره در دل خداپرستان وجود داشته و تمام پیامبران الهی، نویدهایی در این باره ابراز داشته‌اند. در این جا، بخشی از بشارتهای ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای آسمانی را از نظر می‌گذرانیم:

□ انجیل:

۱- «کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسرانسان می‌آید»^۱.

۲- «پس خود را حفظ کنید، مبادا دل‌های شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردد و آن روز ناگهان بر شما آید، زیرا که مثل دامی بر جمیع سکنه تمام روی زمین خواهد آمد. پس در هر وقت دعا کرده بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست، نجات یابید و در حضور پسرانسان بایستید»^۲.

۱. روزگار‌رهایی / ۱۳؛ از: انجیل لوقا، فصل ۱۲، بند ۳۵ و ۳۶.

۲. انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۳۴ تا ۳۶.

□ تورات:

«و نهالی از تنه یسی^۱ بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... گرگ با بزّه سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند... در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادى نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پُر خواهد شد.»^۲

□ زبور:

«زیرا که شریران منقطع خواهند شد و امّا منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندکی زمانى، شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و امّا حلیمان وارث زمین خواهند شد... و میراث آنها خواهد بود تا ابدالاباد.»^۳

□ در منابع زردشتیان:

«سوشیانس (نجات‌دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد، فقر و گرسنگی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند.» (جاماسب نامه / ۱۲۱)

۱. بنا به نوشته قاموس مقدس، ص ۹۵۱، «یسی» به معنای قوی، نام پدر داود است.

۲. تورات اشعیا نبی، فصل ۱۱، بندهای ۱ تا ۱۰.

۳. عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷، بند ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.

ظهور مهدی (ع) از دیدگاه اهل سنت

گرچه شیعه و اهل سنت در پاره‌ای از مسائل اعتقادی با یکدیگر اختلاف نظر دارند، ولی عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از موضوعاتی است که شیعیان و اهل سنت و دیگر فرقه‌های اسلامی در آن اتفاق نظر دارند. شاهد این ادعا، کتابهای بسیاری است که علمای اهل سنت در باره حضرت مهدی و نشانه‌های ظهور نوشته‌اند. جالب این که: ابوالعنبس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم، از علمای بزرگ قرن سوم هجری، نخستین عالم اهل سنت است که در باره حضرت مهدی علیه السلام کتاب «صاحب الزمان» را به رشته تحریر درآورده است.^۱

در «صحاح ششگانه»، که از مهمترین و معتبرترین کتب روایتی اهل سنت به شمار می‌آید، روایات حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:

۱ - محمد بن اسماعیل بخاری، نامی‌ترین محدث اهل سنت و معاصر امام حسن عسکری علیه السلام بوده که یک سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام از دنیا رفته است. او، با همه تعصبی که نسبت به امامان اهل بیت علیهم السلام داشته، در کتاب خود، احادیث دوازده جانشین پیامبر که همگی از قریش هستند، را نقل کرده است. همچنین در باب «نزول عیسی بن مریم»، از همکاری عیسی با حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته است.^۲

۱. روزگار رهایی، ج ۱/ ۱۵؛ فهرست ابن ندیم / ۲۲۳.

۲. صحیح بخاری، ج ۸/ ۱۲۷ و ج ۴/ ۱۴۳.

- ۲ - مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ، در کتاب «صحیح» خود، قسمتی از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را نقل کرده است.^۱
- ۳ - ابن ماجه قزوینی، متوفای ۲۷۵ هـ، در کتاب «سنن» خود، احادیث مهدی علیه السلام را در باب ویژه‌ای آورده است.^۲
- ۴ - محمد بن عیسی ترمذی، متوفای ۲۷۹ هـ، در کتاب «سنن» خود، روایات حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده است.^۳
- ۵ - ابوداود سیستانی، متوفای ۲۷۵ هـ، در کتاب «سنن» خود، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را روایت کرده است.^۴
- ۶ - احمد بن حنبل، در «مسند» خود، مجموعاً ۱۳۶ حدیث در باره حضرت مهدی علیه السلام آورده است.
- در اینجا، چند نمونه از اعترافات علمای اهل سنت، پیرامون ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان را، شاهد می‌آوریم:
- ۱ - ابن کثیر، در کتابش می‌نویسد:
- «مهدی در آخر الزمان می‌آید و زمین را پُر از عدل و قسط می‌کند، همان‌گونه که پُر از جور و ظلم شده است. ما، احادیث مربوط به مهدی را در جلد جداگانه‌ای گرد آوردیم، همان‌گونه که ابوداود در سنن خود، کتابی جداگانه به آن اختصاص داده است».^۵

۱. صحیح مسلم، ج ۱، باب «نزول عیسی» و ج ۴، باب «الفتن و اشراط الساعة».

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، باب «خروج المهدی».

۳. سنن ترمذی، کتاب الفتن، باب «ما جاء فی المهدی».

۴. سنن ابوداود، ج ۲، «کتاب المهدی»، احادیث شماره ۴۲۷۹ تا ۴۲۹۰.

۵. البدایة و النهایة، ج ۶ / ۲۸۱.

۲ - مؤلف کتاب «عون المعبود»، در شرح «سنن ابی داود» نوشته است: «بدان که در طول اعصار، مشهور بین همه اهل اسلام این است که حتماً در آخر الزمان مردی از اهل بیت ظهور می کند که دین را یاری و عدل را آشکار می کند... نامش «مهدی» است و عیسی، بعد از مهدی یا همزمان با مهدی، نزول می کند و او را در کشتن دجال یاری می دهد و در نماز به وی اقتدا می نماید. احادیث مربوط به مهدی را شماری از بزرگان آورده اند. از آن جمله: ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، بزار، حاکم، طبرانی، ابویعلی. سند این احادیث، برخی صحیح و برخی دیگر، حسن و برخی ضعیف است»^۱.

۳ - ابن ابی الحدید، از بزرگان اهل سنت می گوید:

«در باره ظهور حضرت مهدی علیه السلام در میان مسلمانان هیچ اختلافی نیست و همه فرقه های اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. و سپس می افزاید: مهدی علیه السلام که در آخر الزمان ظهور می کند، بنابر عقیده بیشتر محدثان از فرزندان فاطمه علیها السلام است. اصحاب ما معتزله نیز به این حقیقت اعتراف دارند و بزرگان ما نیز در کتابهایشان به آن تصریح کرده اند، با این تفاوت که معتقدند آن حضرت هنوز خلق نشده است و در آخر الزمان خلق خواهد شد»^۲.

۴ - علاء الدین علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی، (م ۹۷۵ ق)، از بزرگان اهل تسنن است که در قرن دهم هجری، در

۱. عون المعبود (شرح سنن ابی داود)، ج ۱۱ / ۲۴۳، کتاب المهدی.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱ / ۲۸۱.

هندوستان می‌زیسته است. وی در کتاب «البرهان علی علامات مهدی آخر الزمان» به دفاع از عقیده مهدویت برخاسته و با استناد به فتاوی بزرگان مذاهب اربعه (شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی)، منکران عقیده به ظهور امام زمان علیه السلام را - اگر توبه نکنند - واجب القتل و خون آنها را هدر دانسته است.^۱

آری، اعتقاد به ظهور حضرت بقیة الله از ضروریات دین اسلام است و روایات بسیاری از شیعه و سنی در این باره وجود دارد. ظهور مهدی علیه السلام چونان مهم است که حتی علمای اهل سنت، منکر آن را کافر دانسته و در این باره، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرموده است: «بی‌گمان، هر کس مهدی را انکار کند، کافر است».^۲

شیخ سلیمان قندوزی حنفی نیز، از کتاب «فرائد السمطين»، از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس خروج مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل شده، کفر ورزیده است».^۳

در بخش بعدی، از میان احادیث فراوان اهل سنت در باره حضرت مهدی علیه السلام، به چند روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نگریم:

۱. البرهان علی علامات مهدی آخر الزمان / ۱۷۸.

۲. عقد الدرر / ۱۵۷: مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ.

۳. ينابيع المودة، ج ۳ / ۱۰۸: مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ، فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ.

روایاتی از کتابهای اهل سنت

۱ - ابوهریره از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ؟

چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود و امام شما از خودتان باشد.^۱

۲ - پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمَلُؤُهَا عَدْلًا
كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا:

اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی بماند، همانا خداوند مردی از اهل بیت مرا برانگیزد. او دنیا را از عدل و داد پُر می کند، همچنان که از ظلم و ستم آکنده شده باشد.^۲

۳ - امام علی رضی الله عنه از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.

مهدی از ما اهل بیت است که خدای تعالی کار او را در یک شب به سامان آورد.^۳

۱. صحیح بخاری، ج ۴ / ۱۴۳.

۲. سنن أبوداود / حدیث شماره ۴۲۸۳.

۳. صحیح سنن ابن ماجه، ج ۳ / ۳۴۰.

۴ - ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزِلٍ،
فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ عَدْلًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ
السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: مَا صِحَاحًا؟
قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ...:

شما را به مهدی بشارت می‌دهم. او به هنگام جنگ و اختلاف میان مردم و در اوج زلزله‌ها، بر اتم برانگیخته می‌شود، زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، همچنان که از ظلم و جور پُر شده باشد. همه اهل آسمان و زمین از او راضی باشند. او اموال را به طور صحاح تقسیم می‌کند. شخصی پرسید: صحاح یعنی چه؟ حضرت فرمود: یعنی اموال را در میان مردم به طور مساوی تقسیم می‌کند...^۱

۵ - ثوبان از پیامبر روایت کرده که حضرت فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ فَأْتُوهَا، فَإِنَّ
فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ:

هنگامی که پرچم‌های سیاه را دیدید که از جانب خراسان می‌آید، به سوی آن بروید، زیرا خلیفه خدا، حضرت مهدی ﷺ در آن است.^۲

۶ - ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده‌اند که

پیامبر ﷺ فرمود:

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُقَسِّمُ الْمَالَ وَ لَا يُعْدُّهُ.

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۳/۳۷.

۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۵/۲۷۷.

در آخر الزمان، خلیفه‌ای می‌آید که مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند و آن را نمی‌شمارد.^۱

۷- عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي:
دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که مردی از اهل بیت من، فرمانروای عرب شود. او،
همنام من است.^۲

۸- انس بن مالک از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود:

نَحْنُ سَبْعَةٌ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ: أَنَا وَ أَخِي عَلِيٌّ وَ عَمِّي
حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ.
ما هفت تن فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم: من، برادرم علی، عمویم
حمزه، جعفر، حسن و حسین و مهدی ﷺ.^۳

۹- ابن عباس از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود:

إِنَّ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ الْمَهْدِيُّ، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ
قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا،
إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لِأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ.
علی، وصی من است و از فرزندان اوست قائم منتظر: مهدی ﷺ که زمین را پر از
عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد. سوگند به خدایی که به حق،

۱. صحیح مسلم، ج ۴/۶۷۲، کتاب الفتن، ح ۶۹.

۲. سنن ترمذی، ج ۴/۲۴۵، حدیث شماره ۲۲۳۰.

۳. لسان‌المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۳/۲۷۱.

مرا بشارت دهنده و بیم دهنده برانگیخت، آنان که در زمان غیبت او، بر امامتش ثابت قدم بمانند، از کبریت احمر، کمیاب‌ترند.^۱

۱۰ - ابن عباس از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ:

به خدایی که مرا به حق مژده‌رسان برانگیخت، اگر از دنیا تنها یک روز باقی بماند، خداوند آن روز را طولانی می‌سازد تا در آن روز، فرزندم مهدی علیه السلام ظهور نماید و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آید و به امامت او نماز بگذارد.^۲

احادیث فراوان ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتابهای اهل سنت، درستی عقیده شیعه، در باره امامت ائمه دوازده گانه را نشان می‌دهد. از اینرو، برخی از علمای اهل سنت در مقام پاسخگویی و توجیه این احادیث برآمده‌اند. اما شیخ محمود ابوریه، از نویسندگان امروز اهل سنت که این پاسخها را قانع‌کننده ندانسته، راه دیگری انتخاب کرده و می‌گوید:

«این احادیث از جمله حدیثهای مشکل است که درک معنا و مفهوم واقعی آنها برای ما ممکن نیست. بنابراین، باید از صرف وقت در اینگونه احادیث خودداری کرد و عمر عزیز را در مطالب مفید علمی به کار برد!»^۳

۱. ینابیع المودة، ج ۳/ ۱۰۹ (باب ۸۷).

۲. فرائد السمطين، ج ۲/ ۳۱۲.

۳. سیری در صحیحین ۳۱۵/، به نقل از: اضواء علی السنة المحمدية.

□ بخش سوم:

مسابقه ظهور

پرسش‌هایی پیرامون ظهور حضرت مهدی علیه السلام

مسابقه و آزمون

قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) در قرآن و حدیث

۱- کدام آیه قرآن از پیروزی اسلام بر همه ادیان و گسترش آن بر سراسر جهان سخن گفته است؟

الف) توبه: ۳۳ ب) صف: ۹ ج) قصص: ۵ د) الفوب

۲- این حدیث از کدام معصوم است: ... هنگامی که قائم (ع) بپاخیزد، هیچ مشرک به خداوند بزرگ

و هیچ کافری در پهنه جهان برجای نخواهد ماند، مگر این که خروج او را ناخوش دارد:

الف) پیامبر (ص) ب) امام حسین (ع) ج) امام باقر (ع) د) امام صادق (ع)

۳- واژه «لِيُظْهِرَهُ» در آیه ۳۳ سوره توبه، به چه معناست؟

الف) پیروزی اسلام با تبلیغ ب) آشکار شدن و ظهور حقیقت اسلام

ج) برتری کامل اسلام همراه با قدرت فراگیر د) مورد الفوب

۴- پیامبران عرب که نامشان در قرآن آمده، کدامند؟

الف) هود- صالح- ایوب- محمد (ص) ب) هود- صالح- شعیب- محمد (ص)

ج) هود- یوسف- یعقوب- محمد (ص) د) هیچ کدام

۵- این حدیث از کیست: «بَقِيَّةُ اللَّهِ يَعْنِي مَهْدِي (ع)» که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین

را لبریز از قسط و عدل می کند، همان گونه که از ظلم و جور لبریز شده باشد».

الف) پیامبر (ص) ب) امام حسین (ع) ج) امام صادق (ع) د) هیچ کدام

۶- نخستین آیه ای که امام زمان (ع) پس از خروج در خانه کعبه بر زبان می آورد، کدام آیه است؟

- الف) آیه ۹ سوره صف (ب) آیه ۸۶ سوره هود
- ج) آیه ۱۵۸ سوره انعام (د) آیه ۵۱ سوره سبأ
- ۷- براساس حدیث امام صادق (ع)، هنگام سلام دادن بر امام زمان (ع)، چه باید بگوییم؟
- الف) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ب) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
- ج) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ (د) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ
- ۸- سنّت الهی بر حمایت و پشتیبانی از خون مظلوم است. امام زمان (ع) بر اساس تأویل کدام آیه قرآنی، از قاتلان امام حسین (ع) انتقام می‌گیرد؟
- الف) مائده: ۳۳ (ب) اسراء: ۳۳ (ج) نساء: ۱۹۳ (د) الفوب
- ۹- حدیث: «بندگان شایسته‌ای که خداوند در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آنان را وارثان زمین خوانده، یاران حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان هستند»، از کدام امام روایت شده است؟
- الف) امام علی (ع) (ب) امام سجاده (ع) (ج) امام باقر (ع) (د) امام صادق
- ۱۰- حکومت واحد جهانی به دست حضرت مهدی و یاران با وفایش، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین است. این مطلب از کدام آیه قرآن به دست می‌آید؟
- الف) انبیاء: ۱۰۵ (ب) قصص: ۵ (ج) نور: ۵۵ (د) هیچ‌کدام
- ۱۱- ارث دادن زمین به مؤمنان صالح و حاکمیت آنان بر همه جهان در کدام آیه قرآن مطرح شده است؟
- الف) نور: ۵۵ (ب) اعراف: ۱۲۸ (ج) انبیاء: ۱۰۵ (د) همه موارد
- ۱۲- روایت: «گروهی که خدا بر آنان منت می‌نهد، آل محمد هستند»، از کدام معصوم است؟
- الف) پیامبر (ص) (ب) امام علی (ب) امام صادق (ج) امام رضا (د) امام رضا
- ۱۳- از کدام آیه قرآن فهمیده می‌شود که حضرت عیسی (ع) هنوز زنده است و در آخرالزمان از آسمان فرود می‌آید و با حضرت مهدی (ع) بیعت می‌کند؟
- الف) بقره: ۱۳۶ (ب) مائده: ۱۷ (ج) انعام: ۱۵۸ (د) نساء: ۱۵۹

۱۴ - تأویل و معنای باطنی آیه ۱۵۸ سوره انعام: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ...: آمدن برخی از نشانه‌های پروردگار» چیست؟

الف) آمدن نشانه و حادثه‌ای است که باعث سلب اختیار و قدرت کافران شود.

ب) آمدن عذابی از سوی خداوند بر کافران که ناگزیر از ایمان شوند

ج) مقصود از آیه، خروج قائم اهل بیت (ع) است (طبق حدیث امام صادق (ع))

د) مورد الف و ب

۱۵ - هر کس زمان ظهور قائم (ع) را درک کند، تأویل و معنای باطنی این آیه را خواهد دید. یعنی روزی فرا خواهد رسید که آیین محمد (ص) همه جهان را می‌گیرد و دیگر هیچ مشرک و بت پرستی در روی زمین نخواهد ماند. آیه فوق کدام است؟

الف) توبه: ۳۳ ب) انفال: ۳۹ ج) قدر: ۱ د) ملک: ۳۰

۱۶ - بر اساس سخن امام جواد (ع)، با مخالفان امامت، به کدام آیه سوره قرآن می‌توان استدلال کرد؟

الف) سوره قدر ب) سوره دخان ج) سوره کوثر د) الف و ب

۱۷ - بر اساس سخن امام (ع)، این سوره پس از رسول الله (ص)، ویژه حجت خدا در هر زمان است؟

الف) سوره حمد ب) سوره یس ج) سوره واقعه د) سوره دخان

۱۸ - حدیث: «به خدا سوگند، مضطرّ در کتاب خدا، در آیه ۶۲ سوره نمل، حضرت مهدی (ع) است»، از کدام معصوم است؟

الف) امام علی ب) امام باقر ج) امام رضا د) امام عسکری

۱۹ - بر اساس تأویل این آیه، دنیا به هنگام قیام حضرت مهدی (ع)، نمونه‌ای از صحنه قیامت خواهد شد و عدل و دادگستری آن امام بر حق، در روی زمین سایه گستر خواهد شد:

الف) مائده: ۴۸ ب) مائده: ۵۴ ج) زمر: ۶۹ د) نور: ۵۵

۲۰. این حدیث از کیست: «قائم ما، صاحب غیبت است، هنگامی که ظهور کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد. مثل او، مثل قیامت است که ناگهانی از راه می‌رسد»؟

الف) امام باقر (ب) امام صادق (ج) امام کاظم (د) امام رضا

۲۱. کافران و ستمگران نمی‌توانند از حوزه قدرت خدا بگریزند و خداوند آنان را از جایی که بسیار به آنها نزدیک است، گرفتار عذاب خویش می‌کند. این معنا، تفسیر کدام آیه است؟

الف) سبأ: ۵۱-۵۲ (ب) یس: ۵ (ج) توبه: ۷۳ (د) بوج

۲۲. کلمه «ماء معین» در آیه ۳۰ سوره ملک، به چه معناست؟

الف) آب جاری بر روی زمین (ب) آب را کد

ج) آبی که با چشم دیده شود، گرچه جاری هم نباشد (د) مورد الفوج

۲۳. حضرت مهدی (ع) در کدام سرزمین با سفیانی و گروه او به جنگ می‌پردازد؟

الف) سرزمین حجاز (ب) سرزمین فلسطین (ج) سرزمین بیداء (د) هیچ کدام

۲۴. روایت: «کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد تا از او بشنود و اطاعت کند، به مرگ جاهلیت مُرده است»، از کیست؟

الف) امام علی (ع) (ب) امام باقر (ع) (ج) امام رضا (ع) (د) هیچ کدام

۲۵. نایبان خاص حضرت مهدی (ع)، در دوران غیبت کوتاه مدّت (غیبت صغری)، به ترتیب عبارتند از:

الف) عثمان بن سعید - محمد بن عثمان - علی بن محمد سمری - حسین بن روح

ب) محمد بن عثمان - عثمان بن سعید - حسین بن روح - علی بن محمد سمری.

ج) عثمان بن سعید - محمد بن عثمان - حسین بن روح - علی بن محمد سمری.

د) عثمان بن محمد - محمد بن سعید - علی بن محمد سمری - حسین بن روح

۲۶ - حضرت مهدی (ع) در چه تاریخی متولد شد؟

- الف) نیمه شعبان سال ۲۵۰ ق. ب) نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق.
ج) نیمه شعبان سال ۲۶۰ ق. د) نیمه شعبان سال ۲۶۵ ق.

۲۷ - نخستین دانشمند اهل سنت که در باره حضرت مهدی (ع) کتابی نوشته است، چه نام دارد؟

- الف) محمد بن احمد مالکی ب) محمد بن اسحاق
ج) ابوداود سیستانی د) هیچ کدام

۲۸ - بر نگین حضرت مهدی (ع)، چه جمله‌ای نقش بسته است؟

- الف) اَنَا حُجَّةُ اللَّهِ. ب) اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ. ج) اَنَا صَاحِبُ الزَّمَانِ. د) هیچ کدام

۲۹ - غیبت کوتاه حضرت مهدی (ع)، از چه زمانی آغاز و در چه سالی پایان یافت؟

- الف) از سال ۲۵۵ ق تا سال ۳۲۰ ق. ب) از سال ۲۶۰ ق تا سال ۳۲۹ ق.
ج) از سال ۲۶۵ ق تا سال ۳۶۹ ق. د) هیچ کدام

۳۰ - روایت: «اگر مهدی (ع) را درک کنم، در تمام عمرم خدمتگزار او خواهم بود»، سخن کدامیک

از پیشوایان معصوم است؟

- الف) امام سجاد ب) امام باقر ج) امام صادق د) امام رضا



مسابقه ظهور حضرت مهدی (ع) در قرآن و حدیث

پرسش‌های مهدویت

«پس از بررسی و مطالعه چهار گزینه در کتاب، پاسخ صحیح را با علامت (x) مشخص نمایید.»

الف	ب	ج	د	الف	ب	ج	د
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۱۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۱	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۲	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۳	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۴	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۵	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۶	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۷	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۸	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۲۹	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	۳۰	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

نام و نام خانوادگی:

جمع امتیازها:

آثار دیگر مؤلف:

بها (تومان)	موضوع	نام کتاب	
۸۰۰	آثار شگرف دوستی اهل بیت در دنیا و آخرت	آثار و برکات محبت اهل بیت	۱
۶۵۰	مهمترین آیات قرآنی پیرامون امام علی (ع)	آیه‌ها و قصه‌ها	۲
۱۰۰۰	مهمترین آیات پیرامون ظهور حضرت مهدی (ع)	آیه‌های ظهور	۳
۱۰۰۰	مجموعه‌ای از خاطرات تلخ و شیرین ازدواج	ازدواج، خاطره‌ها و تجربه‌ها	۴
۱۰۰۰	هشدارهای پیشگیرانه به جوانان درباره خطر اعتیاد	اعتیاد دختران و پسران	۵
۱۲۰۰	رهنمودهای مهم تربیتی در قالب تمثیل و حکایت	الگوهای تربیت	۶
۱۴۰۰	نخستین کتاب تمثیل و مثل در زبان پارسی	بازخوانی جامع التمثیل	۷
۲۵۰	چهل حدیث قرآنی با جدول تلاوت روزانه قرآن	برنامه تلاوت روزانه قرآن	۸
۸۵۰	۱۷ داستان پیرامون آثار همنشینی با دوستان ناباب	پسران، دوستی‌ها و عبرت‌ها	۹
۴۰۰	۳۰۰ سؤال تستی ویژه مسابقات قرآنی	جستجو در قرآن	۱۰
۵۰۰	آموزش پوشش به زبان ساده برای دختران	حجاب دختران	۱۱
۹۰۰	۲۰ داستان پیرامون آثار همنشینی با دوستان ناباب	دختران، دوستی‌ها و عبرت‌ها	۱۲
۱۴۰۰	یکصد و چهل داستان آموزنده ویژه جوانان	دنیای جوانان	۱۳
۱۶۰۰	یکصد داستان آموزنده ویژه دختران	دنیای دختران	۱۴
۸۵۰	زندگی زیبا و شگفت‌انگیز انسان در عالم برزخ	شگفتی‌های برزخ	۱۵
۱۲۰۰	ماجراهای تاریخی مکافات و بازتاب عمل	گذرگاه عبرت	۱۶
۶۰۰	گزیده‌ای از مثل‌های آموزنده ادب پارسی	مثل‌ها و قصه‌ها	۱۷
۵۰۰	مجموعه‌ای آموزنده از حکایتها و روایت‌های نماز	نماز، حکایتها و روایتها	۱۸

برای خرید کتابهای فوق با تلفن ۰۲۵۱-۸۸۲۷۶۶۲ تماس بگیرید تا با تخفیف برای شما ارسال گردد.